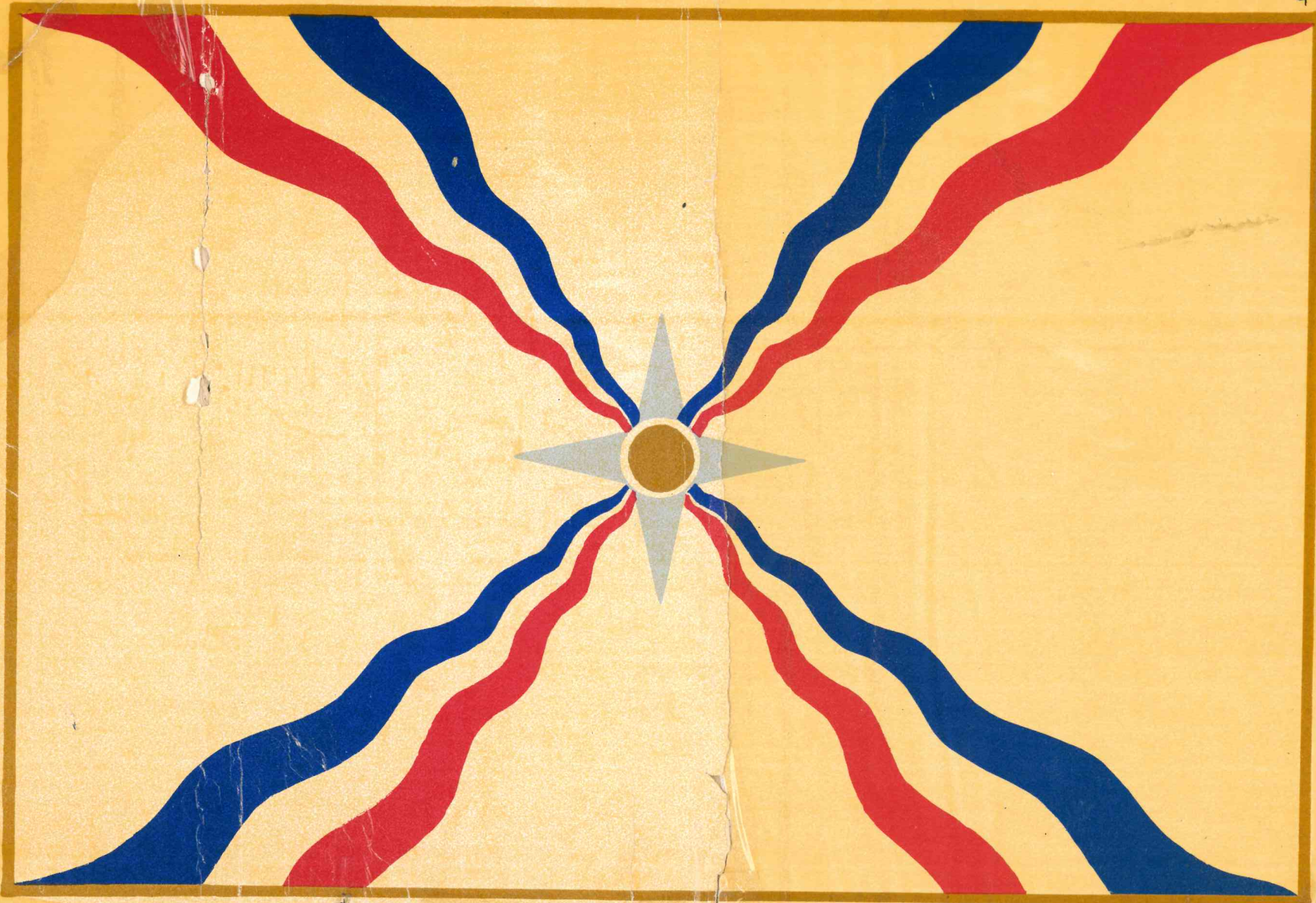


כ"ה תש"ז



بر آرش روح پاک ما درم که اولین آموزگار زنده گم نبوی.

لین مجموعه بطور ریاضیات بدوستان و آشنایان باریان تقدیم میگردد.

بهدرگاه یحیاء دیکر انوشیروان و شهبازیم

ژرژیت کمانوس

גַּלְגַּלִּים

פְּסוּלֵי יַגְלָל: דָּבָר לְאֵלִים בְּדוֹדוֹתָם

בְּהוֹדוֹתֵי בְּלִיָּה לְאֵלֵי דָבָר: מִלֵּשׁ יִצְחָק אֶל דְּבַר

יִגְלָל דְּבַר

אֲלֵימָה אֶתֶּר: בְּשׁוֹמֵר לֵאמֹר בְּשׁוֹמֵר

מִבְּלָה: פְּסוּלֵי

מִבְּלָה: אֲלֵימָה

מִבְּלָה: אֲלֵימָה



کندوکا و درزینہ تاریخ و لیب طیر آشور باستان

نگار گونہ بازرشیت کمانوس

آقای مهندس ژرژ بیت آتانوس کم و بیش برای اکثر آشوریهای ایران چهره شناخته شده‌ای است که نیاز به معرفی مشروح ندارد. هر کجا که در جوامع آشوری بحث تاریخ و تاریخ شناسان آشور پیش بیاید نام این شخصیت بعنوان يك آشور شناس معتبر برده میشود، چرا که آقای مهندس ژرژ بیت آتانوس بخاطر عشق و علاقه مفرطی که به تاریخ و اسطوره‌شناسی آشور دارد سالیان درازی از عمر خود را صرف تحقیق و مطالعه در جهات مختلف و شناخت دقیق از تاریخ این ملت کهنسال و اسطوره‌شناسی آن کرده است. در سال ۱۹۷۹ در کنگره سراسری آشوریهای جهان AUA که در شهر سانفرانسیسکو در آمریکا برگزار بود، آقای مهندس بیت آتانوس بعنوان مرد سال آشوریها شناخته شده و پاس زحمات و خدمات ذیقیمتی که در جهت شناساندن تاریخ و اساطیر آشور و زنده کردن نشانه‌های فرهنگی و تمدن این ملت بزرگ و دیرپا متحمل گردیده بود بدریافت دیپلم افتخار نائل گردید.

فرصت گفت و شنود با شخصیت‌های آگاهی مانند آقای بیت آتانوس فرصت بسیار مناسبی است که ما آنرا از دست ندادیم و به منظور کسب اطلاعات بیشتر در زمینه‌های تاریخ و اساطیر و فرهنگ و ادبیات آشوری با این مرد محقق به گپی دوستانه نشستیم و آنچه میخوانید حاصل این چند ساعت گفت شنود است، با این امید که خوانندگان عزیز بتوانند از اطلاعات و دانش این محقق و اسطوره شناس آشوری بهره کافی بگیرند.

رئیس انجمن آشوریهای تهران و سردبیر مجله «کرخه»

هومر آبرامیان





# ASSYRIAN UNIVERSAL ALLIANCE



presents to

GEORGE BIT-ATANUZ

for ASSYRIAN MAN OF THE YEAR FOR YOUR DEDICATION AND CONTRIBUTION  
TO THE PRESERVATION OF THE ARTS, CULTURE AND HISTORY OF OUR  
ASSYRIAN HERITAGE.

It is with great pleasure that we bestow this humble token of recognition upon you for your service rendered. We thank you on behalf of the stateless Assyrians everywhere.



OCT 29 - 1979 *Sam Andrews*

Date

SECRETARY GENERAL





𐎶 𐎵 𐎲 𐎶 𐎶 𐎶 𐎶 𐎶

883-859.



سؤال یکم : آقای بیت اتانوس باتشکر بسیار از اینکه با وجود اشتغالاتی که دارید فرصتی در اختیار ما گذاشتید که از جانب مجله « کرخه » گفتگوئی باشما داشته باشیم، اجازه می خواهم بعنوان اولین سؤال تقاضا کنم خودتان را بطور مشروح معرفی بفرمائید .



جواب : من « ژرژ بیت اتانوس » در سال ۱۹۱۹ در روسیه متولد شده ام و آبا و اجداد من اهل « ارومیه » بودند که قبل از جنگ بین المللی اول به روسیه مهاجرت نموده و بعد از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۲۷ بوطن مراجعت کردند .

بدواً مدت ۷ سال در بندر انزلی ساکن و سپس در سال ۱۹۳۶ به تهران نقل مکان کردیم - تحصیلات ابتدائی را در مدرسه روسی بندر انزلی ( غازیان ) و تحصیلات متوسطه را در تهران ادامه دادم و بعد از انجام نظام وظیفه به تحصیلات در رشته نقشه برداری و ژئودزی پرداختم و دیپلم مربوطه را در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه کلکته دریافت کردم، متعاقباً در عین انجام کارهای نقشه برداری مطالعات عمیقی نیز درباره تعمیرات و رگلاژ دستگاه های ژئودزی نموده و سپس در سال ۱۹۶۸ از طرف وزارت آموزش و پرورش مجارستان در این رشته بدریافت دیپلم رسمی تخصصی نائل شدم .

#### A LIST OF SUMERIAN AND BABYLONIAN KINGS.

KINGS BEFORE THE FLOOD (*according to Berossus*).

Of BABYLON.

Alôros

Alaparos

سؤال دوم :

آیا تاکنون در فعالیتهای گروههای ملی آشوری از نزدیک مشارکت و همکاری عملی داشتهاید ؟

جواب :

مسلماً در اکثر فعالیتهای فرهنگی اقلیت خودمان شرکت داشتهام .

*Of PAUTIBIBLIA (i.e., Sippar).*

† Amêlôn

Ammenôn (perhaps En-me-nun-na, 𐎠𐎵 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁)

سؤال سوم :

با گروههای ملی وانجمنهای فعال امروز تا چه حد آشنائی دارید نظرتان راجع به اینگونه گروهها و انجمنها چیست ؟



جواب :

چون در حال حاضر ما آشوریها آن فعالیت لازم را در زمینه اجتماعی، سیاسی و غیره نداریم ، لذا آشنایی اینجانب با این قبیل انجمنها محدود است .

Megalaros

Daônos "a shepherd," (perhaps E-ta-na, 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎡𐎢𐏁).

Euedôrachos (probably En-me-dur-an-ki, 𐎠𐎵 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎡𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁)

سؤال چهارم :

آقای بیت آتانوس مردم ماشما را بیشتر بعنوان يك محقق و تاریخ شناس میشناسند تا يك بازرگان، بعنوان يك محقق در امور تاریخ آشور نظرتان درباره اساطیر و ادبیات آشور باستان چیست و اثر آنرا بر تمدن ملل آسیای غربی چگونه می بینید ؟



جواب :

بطور کلی من مطالعات نسبتاً کافی در زمینه تاریخ قوم خودمان دارم ولی خود را محقق در این رشته بمعنی اخص کلمه نمیدانم .

در جامعه آشوریهای ایران هستند کسانی که در زمینه تاریخ ، فرهنگ و حماسه‌های قوم آشور اطلاعاتشان خیلی از من بیشتر است ، از قبیل آقایان «پاتریارک مار-یوحنا عیسائی» ، «شموئیل بیت یعقوب» ، «فریدون میرزا» ، «را بی منشی امیراچمکی» ، «بنواسیمونو» و سایرین .

اما همانطوریکه اطلاع دارید اساطیر و حماسه‌های آشوری از قبیل حماسه «گیلگمش» که اصل آن سومری است و پند و امثال کتاب حکیم اخیقار و غیره که در زبانهای مختلف با آنها برخورد میکنیم تقریباً همه منشأشان از قوم آشور بوده و بعلمت قدمت تاریخی آنها بلا تردید اثر مستقیمی روی تمدن ملل گوناگون بخصوص ملل خاور میانه و خاور نزدیک داشته است .

Of LARAK.

Amempsinos

Otiartes, Opartes, (perhaps Ubara-Tutu, 𐎠𐎵𐎠𐎫𐎠𐎥𐎢𐏁 𐎠𐎵𐎠𐎫𐎠𐎥𐎢𐏁)

Xisûthros (probably Khasis-atra, or 𐎠𐎵𐎠𐎫𐎠𐎥𐎢𐏁 𐎠𐎵𐎠𐎫𐎠𐎥𐎢𐏁)

At-ra-kha-sis,

سؤال پنجم :

اساطیر روم و یونان باستان شباهتهای بسیاری با یکدیگر دارند و حتی درباره‌ای از جهات میتوان خطوط اصلی آنها را با اساطیر ایران و هند هم قابل مقایسه دانست .

حال بفرمائید فرق اساطیر آشوری با اساطیر ملل قدیمه دیگر چگونه است و آیا میتوان آنها را الهام بخش یکدیگر دانست و اگر چنین باشد کدام یک ملهم از دیگری است ؟

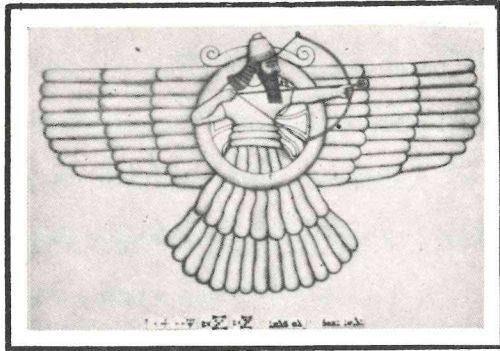


جواب :

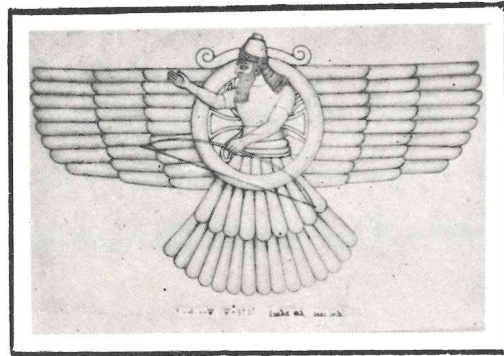
اصولاً زیاد فرقی بین اساطیر یونان و روم قدیم با اساطیر آشوریه وجود ندارد مثلاً اگر یونانیها و رومی‌ها ، خدایانی نظیر - زئوس - ژوپیتر - ونوس داشته‌اند آشوریه‌ها قبل از آنها خدایسانی

با اسامی زیر داشته‌اند :

۱ - خدای آشور - یا خدای خدایان در زمین و آسمان که همان جدما میباشد به شکل ذیل منقوش شده است .



خدای آشور در موقع جنگ



خدای آشور در موقع صلح



نقشی از خدای آشور در موقع جنگ بر روی سرامیک الوان که در موزه بریتانیا بطور امانت نگهداری میشود .

صفات فوق نمونه‌های بارز از خصوصیات مردانگی در بین آشوریان بوده است .  
بنظر من چون تاریخ ماقدیم‌تر از تاریخ روم و یونان باستان بوده طبعاً اساطیر و تمدن آشور الهام  
بخش اساطیر و حماسه‌های آنها بوده است .

KINGS AFTER THE FLOOD.

(According to Berossus.)

Euêchios,

Chômasbêlos

**سؤال ششم :** در اسطوره‌شناسی مصر باستان نام آشور را به عنوان خدای خدایان می‌بینیم شما این پدیده را چگونه  
توجیه می‌کنید آیا این همان آشور بزرگ خدایگان ملل در بین‌النهرین است که مورد پرستش مصریها  
قرار گرفته یا خدای دیگری است فقط بایک تقارن اسمی واگر بپذیریم که خدای مصریها همان رب‌الرباب  
آشور است آیا می‌توان گفت تمدن مصریها ملهم از تمدن بین‌النهرین است ؟



**جواب :** در پاسخ قسمت اول باید گفت که چون در آن زمان بین امپراتوری آشور و مصر روابط حسنه وجود  
داشته و طبعاً در زمینه‌های مختلف مبادله اطلاعات صورت می‌گرفت لذا به نظر من خدای خدایان مصریها و  
آشوریان یا خدایگان ملل ساکن بین‌النهرین یکی بوده است تنها تفاوتی که در شکل این دو خدا مشهود  
می‌باشد این است که چون کبوتر را در آشور پرندۀ مقدسی می‌دانستند در طرفین دایره شکل خدا بالهای  
کبوتر منقوش بوده در صورتی که در اطراف دایره رب‌النوع مصریان بالهای عقاب ترسیم می‌کردند چون  
در نظر آنها عقاب پرندۀ ای مقدس بوده است .

هدف از دایره اینست که مردم آن زمان طبیعت شناخته شده عصر خود را به صورت دایره ترسیم می نمودند و در واقع دایره سمبلی از تجلیات عالم و مخلوقات آن زمان بوده و نمایشگر افق دید گاه آنان می باشد .



دایره بالدار منقوش به بالهای عقاب  
مظهر خدای آسمانی مصریان

دایره بالدار منقوش به بالهای کبوتر  
مظهر خدای آسمانی آشوریان

به موجب نوشته های علمی در زمینه تاریخ و علم میتولوژی و آیین خدایپرستی از ۹ هزار سال قبل از میلاد در سرزمین بین النهرین به وجود آمده و به تدریج در بین سایر ملل آن زمان رواج پیدا کرد . برای بررسی این مطلب می توان به دایرة المعارف جدید لاروس در زمینه میتولوژی ملل مختلف مراجعه نمود و این موضوع را کتاب تورات نیز تأیید می کند .

اما در پاسخ قسمت دوم بطوری که در کتب علمی مربوط به تاریخ آشور قدیم که در سال ۱۹۰۲ توسط موسسه دانشمندان تاریخ شناسی تمدن قدیم بین النهرین دانشگاه های انگلیس، فرانسه و امریکا منتشر گردید و کتاب نینوا و بابل که در سال ۱۸۵۳ در لندن بچاپ رسید ملاحظه میشود سازندگان اهرام و سایر آثار باستانی مصر علائمی برسینه شان بود که همان خدای آشور میباشد بنابراین آن هنرمندان با احتمال قوی

همان کسانی بودند که قبلاً در بین النهرین بناهای گوناگون و بلندی موسوم به زیگورات میساختند که ارتفاع بعضی از آنها به ۹۰ متر هم میرسید و منظور از ساختن این نوع بناهای بلند این بود که ارتباط خود را با خدای بزرگ نزدیکتر کنند از جمله پرستشگاه «اساگیلا» است که محل پرستش خدای بزرگ بابلیها بنام «بل ماردوک» میباشد که یونانیها این بنا را یکی از عجائب هفتگانه دنیا می شمردند همچنین ساختمان «برج بابل» «باغ معلق» دیوارهای رفیع اطراف شهرهای مختلف مجسمه‌های باشکوه قصرهای عظیم که دیوارهای سرسراهای آن حکاکی شده و مزین به انواع و اقسام سرامیک‌الوان که حاکی از تاریخچه فتوحات و شکار پادشاهان آشور بوده و همچنین در زمینه امور زراعی و آبیاری و کانال کشی که از ابتدای سکونت اقوام سومرینها و آشورینها متداول بوده و از آنجا به مصر منتقل گردید .

Of KISH.  
Galumum


𐎲𐎠𐎺𐎠 𐎲𐎠𐎺𐎠 𐎲𐎠𐎺𐎠 𐎲𐎠𐎺𐎠

**سؤال هفتم :** بعنوان يك هنرشناس در زمینه هنر آشوریهای باستان چه نظری دارید و به نظر شما آیا هنر به مفهوم اصیل کلمه در جوامع آشوریهای عصر باستان به درجات متعالی رسیده است یا در همان سطوح هنر غیر شکوفا باقیمانده است ؟



**جواب :** نظر من درباره هنر باستانی آشورینها بشرح زیر است .

در بین هزاره سوم قبل از میلاد تا هزاره اول میلاد مسیح هنر مجسمه‌سازی و یا کنده کاری روی سنگ‌ها چندان توسعه یافته نبوده بطوریکه مثلاً در حفریات مربوطه پیکره‌هایی از حیواناتی از قبیل شیرویا گاو بالدار که در «تل بارسپ»، «لارسا»، «کیش»، «حاداتیو»، «ماری» و «اور» پیدا شده چندان شباهتی به شکل طبیعی خود نداشته ولی بامروز زمان مشاهده میشود که این هنر بتدریج راه تکامل خود را پیموده است

اما مقارن هزاره اول قبل از میلاد که در کاخ «سرگون دوم» (دورشارو کین خورساباد) و در کاخ «اشوربانیپال» در نینوا و یادر «نیمرود» (کالاخ) بر خورد میکنیم با آثار هنری که هر کدام به نوبه خود شاهکاری بی نظیر است، همینطور نقشهای هنری مزین به سرامیک که روی دیوارهای تالار کاخ «دورشارو کین» مشاهده میشود از زیبایی و ظرافت خاصی برخوردار بوده و انسان را با افکار و روح بلند پرواز این سردار بزرگ آشنا میسازد مسلماً این قبیل نوابغ افراد عادی نبوده و بیجهت هم نیست که جلوا سمشان این علائم را  حکاکی مینمودند.

در دوره «اشوربانیپال» بعلت ذوق و علاقه زیادی که وی به هنر و ادبیات داشت، این هنر به حد اعلای شکوفائی خود رسید، نمونه این ذوق و علاقه به رشته ادبیات در کتابخانه مخصوص او منعکس است و مجموع آثار هنری موجود در این کاخهای شهر نینوا آخرین شاهکارهای فنیسی است که از دوران آشوربانیپال برای ما به یادگار مانده است از جمله هنر کهنه کاری و مجسمه سازی گاو بالدار و یاشیر بالدار و نقوش برجسته روی دیوارهای کاخها از نقطه نظر شکل - تناسب اندام ترکیب و زیبایی صورت، لباسها و نوشتههای میخی روی سنگها و یاروی استوانه های بزرگ گلی که اکثر مربوط به قراردادهای بین پادشاهان بوده این آثار طوری هستند که از نظر هنری کوچکترین ایرادی نمیتوان از آنها گرفت و در حقیقت این نوع آثاری تکمیل یافته و به حد اعلای شکوفا میباشند نمونه هایی از این شاهکارهای هنری را میتوان در موزه های معروف جهان از قبیل «موزه لوور» در پاریس، «موزه بریتانیا» در لندن، «موزه متروپولیتن» در نیویورک «موزه شیکاگو»، «موزه معروف برلین» در آلمان و همچنین در «موزه بغداد» مشاهده نمود، و تاکنون هنرمندی در این زمینه پیدا نشده که این آثار نفیس هنری را مورد تنقید قرار دهد؛ دلیل دیگر کامل بودن این آثار هنری این است که در عصر حاضر هنر هنرمندی نتوانسته شاهکاری خلق نماید که قابل مقایسه با این آثار باشد و نباید فراموش کرد که این آثار نفیس هنری از سنگ خارا درست شده نه از سنگ مرمر که ما در یونان و روم مشاهده میکنیم.



بعد از انقراض آشور این هنر به یونان و روم قدیم منتقل گردید و تا ۳۰۰ سال قبل ادامه داشت که معروفترین هنرمندان در این زمینه « لئونارد داونچی » و « میکلا آنژ » می باشند ، بعد از این میتوان گفت که این هنر دچار رکود و وقفه گردید و علت اساسی این رکود این است که در زمان « لئونارد داونچی » مرد دیگری نبود که جای او را بگیرد چون خلق این قبیل آثار علاوه بر ارثی بودن - استعداد ذاتی هم میخواهد این مطلب در مورد آشور نیز صدق نمی کند. و در عصر حاضر مشاهده میکنیم که هنر نقره کاری و قالی بافی در پاره ای از نقاط ایران از یک نسل به نسل دیگری منتقل میگردد.

همینطور است اشکال مصور رباعیات حکیم عمر خیام که از هر حیث بی نظیر است و انسان غرق در تماشای آنها میگردد چه از لحاظ سوژه عکس، زیبایی منظر - و تناسب اندام انسان ر موقعیت های گوناگون، مسلماً این سیر تکامل حداقل ۶۰۰ سال طول کشیده تا به این درجه از تکامل هنری رسیده است.

Zugagib  
Arpi, "son of a plebeian"

۱۱۱۱ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۱  
۱۱۱۱ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۱

**سؤال هشتم :** آقای بیت اتانوس با زهم در مقام یک محقق، ادبیات آشوری را چگونه یافته اید و چه ویژگی خاصی در ادبیات آشوری، نسبت به ادبیات سایر ملل قدیمه میتوان ملاحظه کرد. ؟



**جواب :** تصور میکنم نظر خود را در این مورد تا اندازه در پاسخ سؤال شماره ۴ داده ام.

ضمناً نکته ای به نظر رسید که مربوط به حماسه عاشقانه نظیر حماسه معروف « رومئو و ژولیت » شکسپیر است که احتمالاً از آن هم قوی تر باشد، این حماسه در بین النهرین از دورانهای قدیم سینه به سینه

نقل گشته و هنوز نیز زنده است، خوشبختانه الواح این حماسه نیز نظیر حماسه «گیلگمش» پیدا شده و داستان آن بزودی به چاپ خواهد رسید.

خلاصه این حماسه از این قرار است.

عاشق و معشوقی سالیان دراز در اثر مخالفت والدین همواره در حال ناراحتی و عذاب روحی و دور از هم به سر میبردند و علاوه بر این بدگویی های همسایگان و حسادت اقوام و پیردختران خانه نشین و بدزبان و رنج انتظار بی پایان نیز مزید بر علت گردیده بود.

روزی بر حسب اتفاق این عاشق و معشوق همدیگر را ملاقات مینمایند و از همان لحظه اول همه چیز در نظر آنها عوض شده و دنیائی زیبا و پر محبت جلوی چشمانشان ظاهر میشود و حس میکنند که والدینشان چقدر خوب و همسایگان بالبخند از آنها استقبال مینمایند و حتی طبیعت نیز زیبایی خاصی پیدا نموده است .  
با سپری شدن لحظه ها و فرارسیدن تاریکی شب ، به نظر آنها تمام این صحنه ها يك لحظه بیشتر طول نکشید و چون دیگر قدرت آن را نداشتند که در اثر جدائی از هم مجدداً بارنج ها و ناراحتی های قبلی مواجه شوند لذا با خنجر جری اقدام به خودکشی نمودند. والدینشان آنها را بخشیده و در همان محل اجساد آنها را به خاک میسپرند، از قبر آنها درختی میروید که از میوه آن مایع قرمز رنگی نظیر خون آن عاشقان دلخسته هنوز هم تراوش میکند.

این درخت همان درخت آلبالو است.

البته تنها کسانی که عاشق بوده و یاهستند میتوانند حرفهای مرا درک کنند .

Etana, "a shepherd," (cf. Daônos, above)

Enmenunna, (cf. Anmenôn, above)

Melan-Kish

Barsalnunna

𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭  
𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭 𒂗𒀭

سؤال نهم :

اثر زبان سریانی و آرامی را در رابطه با توسعه تاریخ و تمدن اسلام چگونه می بینید و به نظر شما به این ادعا که گفته میشود این زبان در پیشرفت و تعالی دین مبین اسلام اثری سازنده و بنیادی دارد تا چه حد میتواند اعتبار بخشید ؟



جواب :

پاسخ این سؤال مستلزم مطالعه و تحقیق فراوان میباشد چون در حال حاضر دلایل کافی و موثق که مبنی بر اثر زبان آرامی در رابطه با تاریخ و توسعه تمدن اسلام باشد در دسترس مانیست ، گرچه از قرائن و شواهد موجود در محل یعنی در عراق و سایر اماکن آن منطقه هم چنین از نوشته های خطی و کتیبه ها و مدارك متعدد دیگری مربوط به مذاهب و ادیان آن مناطق بطور اعم و در باره دین مبین اسلام بطور اخص طی قرون گذشته و حال مشاهده شده است و اینکه زبان سریانی تا چه حد در پیشرفت و توسعه دین مبین اسلام مؤثر بوده باید متذکر شد که چون در آن زمان حتی پیش از ظهور اسلام اغلب دانشمندان و محققین آرامی زبان بوده اند لذا این واقعیت که زبان آرامی در تمدن اسلام نقش بسزائی داشته است بیشتر نمایان میگردد بطور کلی اینکه چه پیش از بعثت رسول اکرم چه بعد از آن، عده ای از دانشمندان آرامی زبان که همه از آشوریه و بابلیها بوده اند از آن جمله «ربان سر کیس بحیرا» (بخصوص شخص اخیر الذکر) با آنحضرت مراد و ارتباط دوستانه ای داشتند. بحیرا یعنی دانشمند. \*

(And 16 other kings.)

Of ERECH. Meskingasher,  
Enmerkar  
(The god) Lugal-banda  
(The god) Dumuzi i.e., Tammuz  
(The god) Gilgamesh  
(And other kings.)

𐎶𐎵𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠  
𐎶𐎵𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠  
𐎶𐎵𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠  
𐎶𐎵𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠  
𐎶𐎵𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠𐎧𐎺𐎠

سؤال دهم : با اجازه شما مسائل تخصصی را موقتاً کنار میگذاریم قدری به مسائل روز می پردازیم، انقلاب ایران را چگونه می بینید و نقطه نظرهای شما راجع به این انقلاب چگونه است؟



جواب :

بطور کلی هدف اصلی از هر انقلاب اجتماعی و سیاسی تغییر وضع موجود و بهبود وضع زندگی اکثریت محروم يك جامعه است. بخصوص اگر اساس يك انقلاب روی موازین و تعالیم مذهبی پایه گذاری شود از اصالت بیشتری برخوردار بوده و بلا تردید بهتر میتواند جوابگوی خواسته های طبقات پائین و محروم جامعه باشد، از اوایل خلقت تا بحال جوامع روحانیت همواره طرفدار و حامی مظلومان و مستضعفان بوده و هستند، و چون صدای اکثریت در حقیقت صدای خداست لذا نتیجه میگیریم که انقلابی نظیر انقلاب ایران بدون شك و تردید موفقیت خواهد داشت، منتها چنین توفیقی به آسانی بدست نمی آید مگر اینکه از طرف کلیه و یا حداقل از جانب اکثریت اقشار و گروه های مختلف ملت مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد، و برای حصول این منظور باید بهر وسیله شده از تشمت آراء و عقاید و تفرقه پرهیز نمود تا وحدت کلمه به تمام معنی حفظ گردد. به نظر من برای رسیدن به این هدف دولت باید افراد بصیر و مجربی را بعنوان رابط تعیین نماید تا دائماً بین گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی در تماس بوده و سعی شان این باشد که تا سر حد امکان نظریات و خواسته های این طبقات را بهم نزدیکتر ساخته و نوعی هم آهنگی میان نظریات آنان ایجاد نمایند. برای حصول موفقیت در انجام چنین وظیفه افرادی را باید انتخاب نمود که ازدید وسیعی برخوردار بوده و از تعصبات طبقاتی بدور باشند، افرادی که برایشان اقلیت و اکثریت و یا شیعه و سنی و یا فارس و ترك و غیره مطرح نباشد.

Of Ur.

Mesannipada  
Meskiagnunna  
Elulu  
Balulu

𐎠𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎰𐎱𐎲𐎳𐎴𐎵  
𐎶𐎷𐎸𐎹𐎺𐎻𐎼𐎽𐎾𐎿𐏀𐏁𐏂𐏃𐏄𐏅𐏆𐏇𐏈𐏉𐏊𐏋  
𐏌𐏍𐏎𐏏𐏐𐏑𐏒𐏓𐏔𐏕𐏖𐏗𐏘𐏙𐏚𐏛𐏜𐏝𐏞𐏟𐏠𐏡  
𐏢𐏣𐏤𐏥𐏦𐏧𐏨𐏩𐏪𐏫𐏬𐏭𐏮𐏰𐏱𐏲𐏳𐏴𐏵

سؤال یازدهم : آیا پیش نویس قانون اساسی را دیده اید و اگر آنرا ملاحظه فرموده اید بعنوان يك آشوری ایرانی چه برداشت خاصی از این پیش نویس قانون اساسی دارید ؟



جواب :

پیش نویس قانون اساسی جدید را اجمالاً خوانده ام و میتوان گفت که بطور کلی جامع و خوب است ولی از نقطه نظر اقلیت ما که از قدیم ترین اقوام ساکن این مرز و بوم بوده و هستند کمبودهایی در آن مشاهده میشود که باید مورد توجه قرار گرفته و در رفع آنها به نحو مقتضی اقدام شود، البته انتظار ما این بود که خود اولیاء محترم دولت این امر را در نظر می گرفتند و نیازی به یادآوری ما نمی بود، خوشبختانه نماینده اقلیت آشوری در مجلس خبرگان یعنی آقای «دکتر سارگن بیت او شانا» که از هر لحاظ مورد اعتماد و تأیید قاطبه اقلیت ما بوده و به مسائل اجتماعی و سیاسی ایران کاملاً وارد هستند متوجه این کمبودها بوده و از همان آغاز کار مجلس خبرگان خواسته های مشروع ما توسط ایشان با اولیاء محترم دولت منعکس گردیده است . بعنوان مثال در اصل ۵ که میگوید «اقوام همه در مقابل قانون برابرند» اسمی از آشوریها برده نشده است و همچنین در اصل ۱۳ و ۱۴ که مربوط است به «رسمیت ادیان» تنها اشاره به مسیحیان کافی نیست و بهتر است بطور تفکیک از آنها نام برد تا بعداً در عمل اشکالی در این مورد پیش نیاید . بدیهی است همانطوریکه فوقاً اشاره شد نماینده اقلیت آشوری در مجلس خبرگان این نکات را باستحضار مقامات مسئول رسانده است و امیدواریم که مورد توجه کامل دولت قرار گرفته و قبل از تصویب این قانون نواقص فوق الذکر مرتفع گردد .

Of KISH.

U-tug

Mesilim

Ur-zag-e

Lugal-tarsi

Enbi-Ishtar

(And other kings.)

𒌦 𒌵  
 𒌵 𒌵  
 𒌵 𒌵 𒌵 𒌵  
 𒌵 𒌵 𒌵 𒌵  
 𒌵 𒌵 𒌵 𒌵

سؤال دوازدهم : نظر شما در مورد این اصل از قانون اساسی که بزنان مسلمان ایرانی اجازه میدهد به وزارت و حتی مقام ریاست جمهوری برسند اما به مردان ایرانی الاصل غیر مسلمان ( با فرض داشتن شایستگی و تقوا ) اجازه برخورداری از چنین حقوقی را نمیدهد چیست ؟



جواب : تا آنجائیکه اینجانب اطلاع دارم در این قانون احراز پست مقام ریاست جمهوری برای زنان منظور نگردیده است . ولی بطور کلی بنظر من وزارت که يك پست سیاسی است بهتر است جنبه تخصصی نیز داشته باشد ، شخص وزیر باید در رشته کار خود تخصص و تجربه کافی داشته باشد از قبیل کشاورزی - نیرو - منابع طبیعی و سایر امور .

چنین وزیری خواهد توانست برنامه ریزی صحیحی تنظیم نموده تا سالها ادامه یابد نه این که هر وزیر جدیدیکه آمد برنامه قبلی را بهم زده و يك برنامه جدیدی که از نظر او صحیح است با مخارج هنگفت پیاده نماید و باز هم در کابینه بعدی این عمل تکرار گردد .

اما راجع به اقلیت ها . اگر چه داشتن شایستگی و تقوا می بایست مورد تحسین و تشویق باشد و در بسیاری از پستها این افراد میتوانند مثمر ثمر باشند ، در مورد پست وزارت که از پستهای هیأت حاکمه و ناظر سر نوشت اکثریت است تا آنجا که من اطلاع دارم در هیچ کجای دنیا اقلیت ها نمیتوانند تصمیم گیرنده و برنامه ریز باشند .

LIST OF SUMERIAN AND BABYLONIAN KINGS

Contemporary ruler of LAGASH.

Lugal-shag-engur      𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦

Of ERECH.

En-shakush-anna      𒂗 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦

Lugal-kigubni\_dudu      𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦

Lugal-kisalsi      𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦𒌦

**سؤال سیزدهم :** اصل پانزدهم پیش نویس قانون اساسی حق حاکمیت را از آن مردم میداند و اصل دوم این پیش نویس هر گونه تبعیض و سلطه جوئی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی را نفی میکند در اصل ۲۲ همه افراد ملت را اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی می شمارد و در اصل پنجم امتیاز افراد را بر اساس تقوی قرار میدهد اما بر اساس اصول ۱۰۶ و ۷۶ و ۵۰ بطور صریح اقلیت های ایرانی غیر مسلمان را به عنوان شهروندان در درجه دوم بشمار می آورد و از تصدی و انتخاب شدن به مقامات ممنوع میکند، آیا بنظر شما نمیتوان این اصول را متناقض یکدیگر دانست، آیا محروم نمودن اقلیت های مذهبی از بهره مندی از حقوق کامل سیاسی آنها در قانون اساسی تبعیض ظالمانه ای نیست، که آشکارا به حقوق ایرانیان غیر مسلمان می شود، نظر شما بعنوان يك آشوری ایرانی الاصل در این مورد چگونه است؟



**جواب :**

به نظر من همانطوریکه آقای «دکتر بیت اوشانا» نماینده ما در مجلس خبرگان عقیده دارند ما آشوریها که از قدیم ترین اقوام اصیل ساکن این مرزوبوم بوده و هستیم با تمام برادران ایرانی مساوی بوده و بالنتیجه لازم است از کلیه حقوق و مزایاییکه در این قانون برای ملت ایران در نظر گرفته شده است برخوردار باشیم.

Of ADAB.

Lugal-anna-mundu

𐎶𐎵𐎺𐎠 𐎶𐎵𐎺𐎠 𐎶𐎵𐎺𐎠 𐎶𐎵𐎺𐎠

**سؤال چهاردهم :** باتوجه به شناختی که از تاریخ و تمدن ملت آشوری و لاجرم شناختی که از خلیقات این مردم دارید و باتوجه به اوضاع و احوال سیاست کلی امروز جهان، آینده آشوریها را در ایران بطور اخص و در جهان بطور اعم چگونه میبینید؟



**جواب :**

ما آشوریها بیش از ۴۰۰۰ سال پیش در این مرزوبوم یعنی در نواحی ازومیه - سلماس - سحنه

(سنندج) و مراغه ساکن هستیم جمعیت ما تا قبل از جنگ بین المللی اول تنها در ارومیه و دهات اطراف آن در حدود ۵۰۰۰۰ نفر بوده است .

در تحولات سیاسی و جنگ بین المللی اول و اشغال آن مناطق از طرف قشون عثمانی که ضمن آن تنها در خاک ترکیه یعنی آن طرف مرز ایران و ترکیه در حدود یک میلیون و نیم از ارمنیهای ساکن آن مناطق قتل عام شدند ، آشوریهها نیز برای نجات از چنین سرنوشتی شروع به مهاجرت به سایر نقاط جهان از قبیل امریکا - روسیه - عراق - استرالیا و غیره نمودند .

بنظر من ترك محل آبا و اجداد خبط محض است چون پراکنده شدن افراد يك قوم در حقیقت از بین رفتن آن قوم است .

البته بودند کسانی که با این امر مخالف بودند از آن جمله است مرحوم «خلیفه ضیاءدشتو» در ارومیه که میگفت «من آخرین فردی خواهم بود که سرزمین اجدادی خود را ترك کنم چون برای من بسیار سخت خواهد بود بهشتی را که سنگهای قبر اجداد من زینت بخش تاریخ آن هستند به آسانی ترك گویم» .

بیاد دارم چند سال قبل که تعدادی میکروسکپ برای استفاده دانش آموزان مدارس آشوری در ایران هدیه نمودم مرحوم «خلیفه دشتو» ضمن نامه تشکر آمیزی نوشته بود .

«من در طول عمر خود از هیچکس چنین هدیه پرارزشی دریافت نکرده بودم»

این امر ناشی از این حقیقت تلخی است که اقلیت ما آنطوریکه باید و شاید هم بستگی لازم را با هم ندارند .

جمله آن مرحوم از من مرد دیگری ساخت و تصمیم گرفتم در همین سرزمین در میان قوم خود مانده و تا عمر و قدرت دارم خادم آنها باشم .



سؤال پانزدهم : یقیناً اطلاع دارید که آشوریهای جهان بدنبال مبارزات پیگیر و همه جانبه پس از سالیان دراز موفق به تشکیل و تاسیس اتحادیه جهانی آشوریه شدند .

خواهش میکنم نظر خودتان را در مورد این اتحادیه بیان بفرمائید ؟



جواب : ما انجمن های کوچک و تحت عناوین مختلف در طی صدسال اخیر زیاد داشته ایم که هدفشان بیشتر کمک مالی و درمانی به طبقات کم درآمد و فقیر و باصطلاح امروز مستضعفین بوده یکی از این انجمن ها انجمن بانوان آشوریه در ارومیه بوده که بعداً مقر آن به تهران منتقل گردید و در سال گذشته پنجاهمین سالگرد فعالیت آن فقط در تهران جشن گرفته شد .

بعداً که رشد فکری و سیاسی و اجتماعی ملت ما توسعه یافت معلوم گردید که این قبیل انجمنهای کوچک محلی، نمیتوانند نقش مؤثری در ایجاد هم بستگی ملی در سطح جهانی داشته باشند لذا تصمیم گرفته شد که يك اتحادیه جهانی پایه گذاری شود .  
من از این اقدام بسیار خوشحالم چون خود ایجاد چنین اتحادیه ای در حقیقت برداشتن قدمی به جلودر زمینه امور اجتماعی و سیاسی است .

Of MARL  
Anpu

→ ←

سؤال شانزدهم : آیا میتوان تصور کرد و امیدوار بود که این اتحادیه باتکیه بر مبنای شوراهای ملی بتواند در مقام رهبری جهانی خلق آشور قرار گیرد ؟



جواب : مسلماً اقدام از طریق شوراهای ملی بهترین روش برای رهبری يك قوم یا جامعه میباشد مشروط

براینکه مسئولان اتحادیه تحت هیچگونه نفوذ و یا تعصبات گوناگون قرار نگرفته و وظایف ملی و اجتماعی خود را در کمال حسن نیت و از خود گذشتگی انجام دهند .

مانعی ندارد که در این راه اختلاف نظرها و برخورد عقاید دیده شود ولی اگر هدف همه یکی باشد این قبیل اختلاف نظرها بتدریج از بین رفته و همه شوراهای ملی با اتحاد و اتفاق رأی موفق خواهند شد تحت لوای اتحادیه آشوریهای جهان در راه رسیدن به هدف های خود کوشا باشند و من شخصاً نسبت به تحقق یافتن این امر همیشه امیدوار بوده و هستم و هرگز یأس در این مورد بر من مستولی نخواهد شد .

*Contemporary rulers of LAGASH.*

About B.C. 3000.

Ur-Ninâ,

»𒌦 𒊩𒌆𒊩𒌆, 𒊩𒌆 𒌦𒊩𒌆

سؤال هفدهم : باعتبار شما علل ضعف و ازهم پاشیدگی نیروهای ملی آشوریه را در چه عواملی باید جستجو کرد ؟

جواب :

مهمترین علل ضعف و ازهم پاشیدگی نیروهای ملی ما از عوامل زیر سرچشمه میگیرد .

۱ - اختلافات فرقه ای مذهبی .

۲ - تعصبات بی جای محلی و یا کشوری، از قبیل آشوری ایرانی و یا آشوری عراقی-سوری و غیره، بدتر از اینها منیت یا حس خود بزرگ بینی که متأسفانه در افراد اقلیت ما شماره اینها زیاد است، این

عوامل متأسفانه مانع از آن میشوند که افراد قوم ما باهم متفق و متحد شوند .

برای مقابله با این امر دو سال پیش مدالی طرح و تهیه نمودم که شعار روی آن از این قرار است

«آشوری نجات و رهائی تو در اتحاد است»

هدفم از این کار تشویق و ترغیب هر چه بیشتر افراد آشوری به اتحاد و یگانگی بود.

سؤال هیجدهم : عنوان يك شخصیت آگاه دارای ایده آل های ملی کدام محور مشترکی را پیشنهاد میکنید که بتوان اساس جمع مبارزات و فعالیت های ملی را بر آن استوار کرد ؟



جواب :

محور تجمع و تشکل کلیه گروه های ملی قبیله و مذهبی دريك كانون ملی و برای جذب آحاد و افراد ملت باین كانون، باید کلیه امکانات فرهنگی - ورزشی اجتماعی و علمی را فراهم نموده و از طریق دائر کردن باشگاه های متناسب با اوضاع و احوال امروزه که مورد استقبال اکثریت مردم روشن بین هم باشد و ترتیب دادن سمینارها و کنفرانسهای منطقه ای ، سطح دانش افراد ملت را در زمینه تاریخ تمدن و علم و هنر آشور قدیم ارتقاء داده و افق جهان بینی آنها را هر چه بیشتر توسعه داد .  
بلا تردید این قبیل فعالیت های مفید و سازنده تعصبات زیان بخش را از بین برده و افراد و گروه های مختلف قوم آشور را در سطح جهانی بهم دیگر نزدیکتر خواهد ساخت .  
اتخاذ چنین روشی بطور کلی مردم کشورهای مختلف را خواه ناخواه به همدیگر نزدیکتر میسازد چهره سد به افرا ديك قوم محروم و پراکنده چون ما را .

Akurgal,

۲۶ ۶۶ ۴۱-

سؤال نوزدهم :

برای تحقق آرمان های ملی و پیاده کردن يك سیستم دموکراسی واقعی بهترین راه شناخته شده امروز شوراهای مردمی است نظر شما در برخورد باین خط مشی و ترکیب شوراهای مردمی در رابطه با تعمیم دموکراسی و حضور راستین مردم در صحنه حاکمیت و تعیین سرنوشت خود چیست ؟  
همانطوریکه میدانید از زمان های قدیم و بعد از انقراض امپراطوری آشور اجداد ما ساکن بین النهرین بودند، در شهرها و دهات مناطق کوهستانی و دور دست که رفت و آمد در آن با اشکال صورت میگرفت. مردم برای حل و فصل مسائل روزمره خود شوراهائی داشتند که بیشتر از روحانیون و ریش سفیدان که همان

جواب :

نمایندگان مردم بودند تشکیل شده بود و کار این شوراها قضاوت در اختلافات و حفظ حقوق ضعفا در برابر قدرتمندان و جلوگیری از اجحاف و ظلم بوده است .  
 بعد از گذشت هزاران سال هنوز در پاره‌ای از دهات دوردست بین‌النهرین این رویه برقرار است ، این روش که از آن‌ایام برای ما بارث گذاشته شده است همان رویه‌ایست که امروزه در کشورهای متمدنی غرب آنرا (دموکراسی) می‌نامند.

Eannadu	𒂗𒂗𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗
Enannadu I,	𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗
Entemena,	𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗
Enannadu II	(See Enannadu I.)
Enetarzi	𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗
Enlitarzi	𒂗𒂗 𒂗𒂗𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗
Lugal-anda	𒂗𒂗𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗

سؤال بیستم : امروز همه مردم ما دم از اتحاد و یگانگی و مبارزه در راه رسیدن به هدف‌های عالی ملی می‌زنند اما عملاً کمتر میتوان مظاهر آن اتحاد و وحدت هدف و پیوندهای استوار ملی را در جوامع آشوری مشاهده کرد . نظر شما در این مورد چیست و چهرای را برای تأمین و ایجاد يك اتحاد راستین و فعال پیشنهاد میکنید ؟



جواب : من گمان میکنم پاسخ این سؤال در جواب سؤال شماره ۱۸ تا اندازه‌ای داده شده است . البته بعد از پیمودن راهی که در پاسخ سؤال ۱۸ داده شده است یعنی پس از ایجاد کلوبها و باشگاههای مدرن در سطح کشور که خود این اقدام موجب نزدیکی بیشتر بین طبقات مختلف میگردد . برداشت قدم دوم تعمیم این رویه در سطح جهانی مابین قوم آشور خواهد بود .

About B.C. 2700. Urukagina . 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗 𒂗𒂗

سؤال بیست و یکم : یکی از عمده ترین مشکلات اساسی فعالیت های ملی آشوریها نبودن يك بودجه ملی است و بی شك این یکی از دلایل عقب ماندگی ملت ما در زمینه های اجتماعی، هنری، فرهنگی و حتی سیاسی است در این مورد شخصاً چه نظری دارید و اگر قرار باشد ما اقدام به تأسیس يك بانک یا صندوق مشترك تعاونی بنمایم برای رسیدن به این هدف اقتصاد ملی، چه اصولی را پیشنهاد میکنید؟



جواب :

مسلم است که نداشتن امکانات مالی بزرگترین مانع انجام هر گونه فعالیت سازنده و مفید میباشد و طبیعی است که برای آغاز فعالیت های مختلف همانطور که قبلاً هم اشاره شده. داشتن باشگاههای مناسب و مراکز فرهنگی و آموزشی مرتب در این امر مؤثر است.

یادم هست که در این مورد با (آقای هومر آشوریان) نماینده آشوریان در مجلس گذشته، بحث های طولانی داشتم و راجع به درخواست و اگذاری ۴ یا ۵ هکتار زمین در مسیر رودخانه ونك از دولت آن زمان مذاکراتی انجام دادیم .

میدانید که این زمین ها معمولاً متعلق به شهرداری است و این تقاضای بزرگی نبود مضافاً یاینکه هدف ما علاوه بر ایجاد تأسیسات آموزشی و فرهنگی و رفاهی جهت گردهم آیی آشوریان و نجات آنان از پراکنندگی منجر به آباوی و سازندگی این منطقه نیز میشد .

اقداماتی از طرف آقای هومر آشوریان بعمل آمده بود ولی متأسفانه به نتیجه نرسید . البته ظاهراً قولهای مساعد در این مورد میدادند و پرونده را از يك وزیر به وزیر دیگر محول میکردند در نتیجه برای ما غیر از قول چیزی باقی نماند

در مورد تأسیس يك بانک این مطلب در ششمین کنگره جهانی آشوریها مطرح شد ولی بعلمت عدم مقدمات کافی مالی به جایی نرسید البته تأسیس يك صندوق تعاونی جهت کمک به مستضعفان از طریق پرداخت حق عضویت و یا جمع آوری اعانه، مقدور است.

در حال حاضر انتظار قوم ما از دولت جمهوری اسلامی این است که اگر فی الواقع ما را جزئی از ملت ایران میشناسند خواسته‌های ما را مورد توجه و بررسی جدی قرار داده و برای جبران محرومیت‌های دوران گذشته، ما را در راه رسیدن به هدفهای خویش یاری دهند و حداقل يك روز در آمد نفت را که متعلق به افراد این مرز و بوم بوده و همه مردم از این نعمت خدادادی سهمی دارند به انجمن آشوریه‌های ایران اختصاص بخشند، تا ما بتوانیم به آرزوهای دیرینه ملی خود رسیده و سپاسگزار دولت جمهوری اسلامی بوده و دعا گوی مسؤلان آن باشیم.

بر خلاف تصور بعضی‌ها که تنها فراهم بودن وسائل زندگی و معیشت را برای انسان کافی میدانند، به نظر اینجانب اجتماع متمدن و مترقی بر اساس فرهنگ، آداب و سنن اجدادی و ریشه‌های زبان قومی پایه‌گذاری میشود و این وظیفه يك اجتماع متمدن است که از علم و هنر و معیارهای اخلاقی حسنه که در اثر زندگی سخت و مشقت بار اجداد پیشین برای رهبری و هدایت ما به ارث گذاشته شده پاسداری کنند. من در زندگی پر نشیب و فراز خود همیشه کمبودی را در وجود خود احساس مینمودم تا بالاخره به این نتیجه رسیدم که این کمبود که در وجود من محسوس است با گذراندن اوقاتی از وقتان در يك محیط یا کلوب و یا باشگاه همراه با سایر هم‌کیشان که در آنجا هم صحبتی بزبان مادریمان که از هر طرف جاری است که همانند موسیقی ملایمی گوش نواز بوده و روح و جسم‌مان را نوازش دهد بر طرف خواهد شد، حداقل این تنوع میتواند در زندگی اجتماعی ما تفاوتی امیدبخشی ایجاد نماید. چون بی تفاوت بودن خاص حیوانات وحشی میباشد که برایشان فرق ندارد در جنگلی که زندگی میکنند متعلق به چه کسی باشد.

„ B.C. 2650. Engilsa

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

Contemporary rulers of UMMA. About B.C. 2900-2800.

Surush-kin

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

E-abzu

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

Ush

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

Enakalli

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

Urlumma

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

Illi

𐎶𐎠𐎧𐎡𐎢𐎣𐎤𐎥

سؤال بیست و دوم :

برگردیم بر مسائل تخصصی شما و از آنچه حاصل سالیان دراز تحقیقات شماست بیشتر بهره بگیریم. بعنوان يك محقق تاریخ بفرمائید که نظر شما راجع به واژه کلدانی که گاهی اوقات بادلایل یابی دلیل کنار اسم آشور قرار میگیرد چیست و اگر قبول کنید که نام پرافتخار آشور در صحنه بین المللی يك نام سیاسی ملی است توأم شدن آنرا با نام کلدانی چگونه توجیه میفرمائید؟



جواب :

ساکنین سرزمین بین النهرین همه آشوری بوده و هستند. شمال آن کوهستانی و جنوب آن از دشتهای وسیع و حاصلخیز تشکیل شده است که حتی در آن يك کلوخه سنگ نیز پیدا نمیشود. نام این منطقه به آشوری (کلدونی) است یعنی سرزمین بدون کلوخه سنگ که به گفته آقای ژوزف بنیان از نوشته پرفسور فرانسوالو نورمان (Prof Francois le Normand) آشورشناس معروف فرانسوی اقتباس شده است. معنی کلمه کلدیا یا کلدونیات بشرح زیر است :

کلد یعنی سنگ که همان کلمه کلوخ در زبان فارسی است (دونی) یعنی بدون.  
(ات) یا **نَهْظ** (اترا) یعنی مملکت.

این کلمه بعداً به تدریج عوض شده و کلمه خوانده شده است که جزو یکی از ایالات امپراطوری آشور بوده و به ساکنین آن کلدانی میگفتند، نظیر آذربایجان، آذربایجانی، کردستان، کردستانی، خوزستان، خوزستانی و غیره در ایران از حیث زبان بین ساکنین این مناطق فرقی وجود دارد در صورتی که در بین النهرین که از چندین ایالت تشکیل شده بود مخصوصاً در شمال که پایتخت آن نینوا و در جنوب مرکز تجاری آن بابل بوده هیچ فرقی از لحاظ زبان، فرهنگ، آداب و رسوم - خط و معتقدات مذهبی وجود نداشته است و مردم دنیای آنروز سرزمین بین النهرین را به نام امپراطوری آشور می شناختند و اگر کتاب تورات را مطالعه کنید می بینید که در آن همه جا از آشور بحث میشود و نامی از کلمه برده نشده است.

البته بین ساکنان مناطق شمالی و جنوبی اختلافات جزئی همواره وجود داشته مثل کشور خودمان

که از لحاظ لهجه‌های محلی و سایر آداب و رسوم متداول در استانهای مختلف به همدیگر متک میگوئیم و به این قبیل اختلافات جزئی مابین اقوام ساکن يك کشور در همه جای دنیا از جمله در ایتالیا - در آلمان - در انگلستان که حتی منجر به جنگ شده - در فرانسه - در روسیه و آمریکا ( جنگهای داخلی بین شمالیها و جنوبیها) برخورد میکنیم.

از این قبیل اختلافات در کتاب تورات نیز در باره اقوام ساکن اسرائیل مابین قوم بنیامین که ساکن جنوب و قوم یهود که در نواحی شمال زندگی میکردند همیشه وجود داشت مدت دوهزار سال چندین بار با هم جنگیدند و هر کدام که در این جنگها پیروز میشد بر دیگری حکمفرمائی مینمود. همینطور وضع در سرزمین ما آشوریها نیز بوده است. بعلت وجود کدورت دائم مابین شمال و جنوب، در سنه ۶۸۹ قبل از میلاد شهر بابل توسط «سناخریب» پادشاه مقتدر آشور ویران گردید. بعداً در اثر همین امر و تشدید خصومت ساکنان بابل و نواحی جنوبی آن با بستن قراردادهای مخفیانه مابین خود بر ضد آشور قیام کردند. آشور بانپال که نوه سناخریب بود از این توطئه عصبانی شد و برای تنبیه بابلیها و همدستانشان مجبور شد شهر بابل را تسخیر و قیام کنندگان را سرکوب نماید.

بعد از فوت «آشور بانپال» در سنه ۶۲۶ قبل از میلاد در اثر جنگهای پی در پی امپراتوری آشور رو به ضعف گذاشته و طوری شد که «بخت النصر» در همان سال برادر کوچک «آشور بانپال» بنام شمش شموکین را که از طرف آشور بانپال بعنوان نماینده در بابل و حومه بود بیرون راند.

پسران «آشور بانپال» «آشور اتیل ایلانی» که تا سال ۶۱۵ و «سین شاریشکین» که تا سال ۶۰۶ قبل از میلاد حکومت میکردند در مدت ۱۹ سال بعلت ضعف امپراتوری آشور نتوانستند در مقابل این اقدام جنوبیها عکس العمل مؤثری از خود نشان دهند.

بخت النصر بعد از جمع آوری افراد آکادی و تشکیل سپاه و بستن قراردادهای سری با کشورهای



همجوار «اورارتو» و «باکیا کسار» پادشاه ماد که در چپاول گری و خشونت معروف بوده به نواحی شمالی بین - النهرین حمله کرده و بعد از فتح شهرهای اطراف رودخانه‌های دجله و فرات از جمله : کابلنی - مانه - ساخیر - بالیخ - آشور - راخی ایلو - نینوا - نصیبین - هران - بالاخره در سال ۶۰۶ قبل از میلاد امپراتوری آشور با آن عظمت سقوط کرد و آشوریها به کوهستانها پناه بردند در سال ۵۳۷ قبل از میلاد کورش با بستن قرارداد محرمانه با « ایساگیلا » رهبر مذهبی بابلیها دروازه‌های شهر را باز کردند و شهر بابل بدون جنگ بتصرف درآمد ، بهمین علت عبادتگاههای آن شهر که بسیار با عظمت و غنی بودند دست نخورده ماندند .

به نظر من علت اختلاف جزئی موجود که در حال حاضر نیز کم و بیش در بین اقوام ما به چشم میخورد از آن دور سرچشمه گرفته است. البته هنگامی که اختلاف فی مابین به اوج خود میرسید شمالیها نیز به نواحی جنوب حمله ور شده و شهرهای آن مناطق را خراب میکردند ولی بعد از فروکش شدن غضبشان مجدداً شهرهای ویران شده را بازسازی و به ساکنان آن کمکهای مالی مینمودند ولی جنوبیها اینگونه رفتار با شمالیها نکردند به همین علت شمالیها رنجیده خاطر باقی ماندند و هنگام حمله کورش به بابل تنها به کمک «والتازار» نشتافتند بلکه از این امر باطناً خوشحال نیز بودند، و همین کدورت‌های جزئی و محلی به اینجامنتهی گردید که ملاحظه میفرمائید. از این وقایع تاریخی باید پند گرفت و هیچوقت اختلافات و کدورت‌های جزئی موجود بین اقوام و طوایف ساکن يك کشور نباید اوج بگیرد چون همین اختلافات ناچیز بالاخره موجبات نابودی قوم و مملکتی را فراهم میسازد.

برخلاف اینکه گفته میشود شهر بابل بسادگی و تنها با گشودن دروازه‌های آن بتصرف و فتح کورش

در آمد، به استناد کتاب «بابل» بقلم «مارتیکافیگولی» چکوسلواکی امکان فتح شهر شهرها، شهر خدایان، بابل حتی بعد از ۲ سال تحت محاصره بودن نیز میسر نبود باشکل گرفتن اعتراضات و مخالفت‌های اقوام اسیری که «بخت‌النصر» آنها را برای سکونت از کنعان به بین‌النهرین در کناره رودخانه خابور کوچ داده بود، خاصه در اثر سخنان تحریک آمیز، اقدامات قیام‌جویانه و رهبری «دانیل» مخالفتها بصورت منازعه در آمده و ۳ نفر از یاران وی که قبلا اسامی آنها ذکر گردید به نزد کورش رفته و اظهار داشتند که ما کلید و معمای فتح شهر بابل را برای شما آورده‌ایم آنها با خود لوحه‌ای گلی را که دانیل بر اثر سالیان دراز مطالعه در کتابخانه‌های شهر بابل بدست آورده بود، به کورش تقدیم نمودند که در آن نقشه مسیر کانالهای انحرافی رودخانه فرات حک شده بود. این نقشه بدستور «نیتو گریس» ملکه بابل و بمنظور احداث پلی بر روی رودخانه فرات که یکی از عجایب هفتگانه دنیا بود تهیه گردید کانالهای فوق بجهت انحراف مسیر رودخانه اصلی که از وسط شهر میگذشت ایجاد گردید که پس از اتمام ساختمان پل آنها را با شن و گل پر کرده و مجدداً رودخانه را بمسیر اصلی خود برگرداندند.

بر اساس پیشنهاد فوق لشگریان کورش بایستی دست از محاصره شهر بابل برداشته و قوای خود را در محل کانالهای انحرافی که از دید بابلیان پنهان بود مستقر نمایند تا بابلیها تصور نمایند که لشگریان کورش بعد از ۲ سال محاصره شهر ناامید شده و آنجا را ترك نموده‌اند.

چون در جشن باشکوهی بنام «اوبلا» که همه ساله بمناسبت جمع‌آوری محصولات پائیزی در بابل برپا میشد، تمامی مردم جدا از طبقات اجتماعی در آن شرکت و به عیش و نوش و خوشگذرانی می‌پرداختند، در این مدت لشگریان کورش میبایستی با مشکلات و زحمات طاقت‌فرسا کانالهای فوق را از شن و گل پاک

نموده و در روز موعود شبانگاه با سر برداشتن دیوارهای کانالها مسیر رودخانه را تغییر داده و از مسیر قبلی وارد شهر بابل شوند و این پیشنهاد مورد موافقت کورش قرار گرفت.

یهودیان در مقابل این پیشنهاد انتظارپاداش بشرح ذیل را از طرف کورش داشتند:

۱- آزاد نمودن اسرا و برگرداندن آنها بموطن اصلی خود .

۲- استرداد کلیه ظروف طلائی که بخت النصر از معابد آنها بغنیمت برده بود، کورش با درخواست اول موافقت نموده ولیکن در مقابل تقاضای آخر آنها سکوت اختیار نمود چون قبلا آنها را به «اساگیلا» رهبر روحانیون بابل که از قبل با او همکاری داشت بخشیده بود.

روز موعود فرارسید در جشنی که برپاشده بود با بلبان از اول صبح شروع به رقص و پایکوبی و میخوارگی پرداختند ، پس از غروب آفتاب « الوس » جاسوس کورش با شکل و شمایل روحانی که قبلا وارد بابل شده بود با دادن اطعمه و اشربه فراوان به نگهبانان دروازه‌های شهر آنها را مست و لایعقل نموده و پس از اطمینان از بی خبری و بیهوشی آنان تیری را که قبلا بالشگریان کورش قرار گذاشته بود جهت اطلاع از آماده بودن اوضاع رها نمود. قسمتی از لشگریان کورش بمحض دیدن تیر با برداشتن دیوارهای کانال و تغییر مسیر رودخانه جهت باز کردن دروازه‌ها وارد شهر شدند . آنها با پیوستن به افراد نگهبان و همکاری آنان که همراه «اساگیلا» از قبل آماده و مهیا بودند دروازه‌های شهر را گشودند. سپس به طرف قصر «مودژالیا» شاه حمله نمودند و چون طبق رسوم بابل در مهمانیهای دربار بجز پادشاه کسی حق حمل هیچ نوع اسلحه‌ای را نداشت لذا کلیه حاضرین بدون دفاع به آسانی قتل عام شدند.

«نبو سردار» فرمانده سپاه «بالتازار» با دیدن اوضاع در صدد برآمد با کشیدن شمشیر از کمر پادشاه از وی

دفاع نماید، متأسفانه قبل از دسترسی به شمشیر توسط «سان اوری» معاون خائن خود که با کورش همکاری داشت به قتل رسید. « بالتازار» نیز توسط «او کبارو» یکی از نزدیکان کورش بقتل رسید .

از بین مدعوین «ایدین آموروم» قاضی شهر بابل، دانیل پیشگو، «اسم اداد» روحانی بابل تحت حمایت «سن اوری» از مرگ نجات یافتند .

بعد از مدتی فرماندهان لشکر بابل «سورما» و «اسمالیم» که در حمله شب شوم نجات یافته بودند چند بار بر ضد مهاجمین و خائنین قیام نمودند که تماماً توسط کورش دفع گردید.

بتدریج خیانت چندین ساله دانیل بر مردم بابل آشکار گردید و زندگیش را خطر مرگ تهدید مینمود و دیگر ادامه زندگی برای او در بابل میسر نبود و چون فراریان بابلی در همه جای غرب پراکنده شده و بخون او تشنه بودند غرب بابل نیز نمیتوانست مأوای امنی برای او باشد لذا بسمت شرق در نزدیکی شهر شوشتر پناه برده و تا آخر عمر به فال بینی و پیشگوئی و اغفال مردم ساده لوح آن دیار پرداخت ناگفته نماند که در میان لشگریان کورش افراد شریفی نیز یافت میشدند از قبیل شاهزاده «اوستیکا» که نسبت به اسیران بابلی دلسوز بوده و کمکهای زیادی به آنها مینمود.

Of AKSHAK (about B.C. 2900-2800).

Kalam-zi	30 years	𐎠𐎡𐎢 𐎣𐎤𐎥
Kalam-dalulu	12 "	𐎠𐎡𐎢 𐎣𐎤𐎥 𐎦𐎧𐎨 𐎩𐎪𐎫
Ur-ur	6 "	𐎠𐎡𐎢 𐎣𐎤𐎥
Puzur-Sakhan	20 "	𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫𐎬𐎭𐎮𐎯
Ishuil,	24 "	𐎠𐎡𐎢 𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩
Gimil-Sin	7 "	𐎠𐎡𐎢 𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧

سؤال بیست و سوم :

به نظر شما که در مقام يك تاريخ شناس لاجرم باروابط سياسى بين الملى آگاهى داريد آيا صحيح است كه مثلا نماينده ايران را در كنگره سازمان ملل متحد نماينده ايران كرد و يانماينده ايران بلوچ ويا ايران تر كمن و از اين قبيل خطاب كرد و آيا اين موضوع شباهتى به همان خطاب آشوريا و كلدانياها ندارد و از آنجا كه ميدانيم كلده نام يكي از اقوام چند گانه ملت بزرگ آشور است اگر بتوان اين نام قومى و مذهبى را در كنار اسم آشور قرارداد پس چرا نبايد گفت آشوريا و كلدانياها و يعقوبيا و مارونيه و جلوها و نسطورياها و ارتدكسها و غيره نظر شما در اين مورد چيست؟



جواب :

در پاسخ قسمت اول سؤال شما بديهى است و قتيكه صحبت از نماينده كشورى در سازمان ملل متحد ميشود اين فرد نماينده كليله اقوام و طوايفى است كه در كشورش ساكن هستند و ديگر احتياجى نيست كه هر کدام از آنها را به تنهائى اسم ببرند.

نماينده ايران در سازمان ملل متحد موظف است از تماميت ارضى ايران و همچنين حقوق كليله افراد ساكن كشورش دفاع كند بنا بر اين ديگر معنى ندارد كه چنين فردى را نماينده ايران و مثلا كردستان ناميد. و اما در جواب قسمت دوم سؤالتان همانطوريكه اطلاع داريد از بين اقوام مختلف آن زمان امپراتورى آشور، يكي از مهمترين اقوام كلده بوده و در جنوب بين النهرين ما بين رودخانه هاى فرات و دجله و خليج فارس سكونت داشته اند (در آن موقع رودخانه هاى فوق مستقيماً به خليج فارس ميريختند نه مثل امروز كه ۵۰ كيلومتر قبل از رسيدن به خليج فارس بهم متصل شده و پس از تشكيل شط العرب به خليج فارس ميريزند) بهمين علت نام كلده نيز گاهى همراه كلمه آشور ذكر ميگرديد. ولى در مورد عناوين يعقوبى - ارتودوكس - كاتوليك - پروتستان - نسطورى بايد گفت كه اين عناوين بيشتر جنبه فرقه هاى مختلف مذهبى داشته و از ۱۵۰ سال قبل به اين طرف توسط كشورهاي استعماري بمنظور توسعه قدرت خود و حفظ منافع شان از طريق تبليغات دينى و كمكهاى مالى بوجود آمد و همين فرقه هاى گوناگون تخم نفاق بين ما پاشيدند.

در این باره آقای «هانسیال گیورگیس» بر وشور جالب توجهی راجع به میسیونهای مذهبی که در ارومیه و مناطق غرب آن بودند منتشر نمود که بر هر فرد آشوری مطالعه آن واجب است.  
 البته از بین فرقه‌های مختلف تنها فرقه که نسبتاً قدیمی بوده فرقه‌ای نسطوری است که مبتکر آن شخصی به نام «نسطوریوس» بوده که بین سالهای ۳۸۰-۴۵۲ بعد از میلاد که اسقف «شهر استانبول» هم بود میزیسته است. عقاید او پیروانی در پاره‌ای از مناطق شمالی بین‌النهرین پیدا کرد.

Of KISH (about B.C. 2800-2700).

Ellit-Bau, (queen) ? years

𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵

سؤال بیست و چهارم: زبان و ادبیات آشوری را چگونه یافته‌اید و به نظر شما چه ویژگی خاصی در زبان و ادبیات آشور میتوان یافت؟



جواب:

همانطوریکه اطلاع دارید زبان آشوری یکی از قدیم‌ترین و کاملترین زبانهای دنیا است که ریشه آن آرامی است و از هزاران سال پیش ساکنان بین‌النهرین به این زبان تکلم میکردند و بقدری در آن مناطق رواج داشت که آشنائی و تکلم به آن موجب افتخار محسوب میشد به حدی که حضرت مسیح نیز از این امتیاز بی بهره نبود و حتی آخرین کلمات روی صلیب را نیز به زبان آرامی ادا کرد «ایل ایل مناشو گتان» یعنی خدایا خدایا چرا ترکم کردی و سپس به ابدیت پیوست.

طبق مندرجات کتاب «MY TOUR» به قلم «آبروهوم نورو» و سایر کتابهای مربوط به رشته آشور - شناسی که ریشه الفباء از همان زبان است یعنی زبان آرامی که همان زبان آشوری است و در حقیقت قدیمی ترین خط از آن ناشی میشود، و سایر زبانهای قدیمه از قبیل زبان هندی - عبری - پهلوی - نباتیان - پالمیر - سریانی - سیناتیک - مانیکیان - آوستا - ارمنی - گرجی - عربی - سوکدیان سرچشمه گرفته است.

ماندیان - از آن منشعب است .

همینطور است در مورد اعداد . فتو کپی آن طرز تحول اعداد را بخوبی نشان میدهد .

اما الأرقام المستعملة حاليا في أكثر اللغات الأجنبية ( 0 9 8 7 6 5 4 3 2 1 )  
 فلهي التي انما مقلّبة من الحرف الأهمجية السريانية ( وجدير بالذكر ان السريان حتى  
 يومنا هذا يستعملون الحرف الأهمجية في حساب التواريخ والأرقام كما ان ترتيب  
 ( الجود ، هو ، عطى ) ليس الا ترتيب الأهمجية السريانية ( الامر الذي يفردنا السر  
 اجراء المقارنة التوضيحية انظر الصورة . ولا تفرى ما اذا كان قد تنبه الباحثون لهذه  
 المشابهة الصارخة بين أجدبتنا والأرقام المذكورة .

هل هذه الأرقام مقلّبة من الأهمجية السريانية ؟؟  
 أو مشتقة من أصلها ؟؟

Are these numbers taken from the Syriac Alphabet ?

هل هذه الأرقام مأخوذة من الأهمجية السريانية ؟؟  
 أم مشتقة من أصلها ؟؟

0 9 8 7 6 5 4 3 2 1

هذه الأرقام مأخوذة من الأهمجية السريانية ، وقد تبين ذلك من خلال  
 المقارنة التي أجريتها بين هذه الأرقام والحروف السريانية المقابلة لها .  
 فمثلا : 0 = أ ، 1 = ب ، 2 = ج ، 3 = د ، 4 = هـ ، 5 = و ، 6 = ز ، 7 = ح ، 8 = ط ، 9 = ي .  
 وهذا الترتيب هو نفسه تماما لترتيب الحروف السريانية في الأبجدية .  
 كما ان الأرقام 1 ، 2 ، 3 ، 4 ، 5 ، 6 ، 7 ، 8 ، 9 هي نفسها الحروف السريانية  
 المقابلة لها ، وهذا ما يثبت ان الأرقام المذكورة هي مشتقة من الأهمجية  
 السريانية ، وليس من أصلها .

252  
 اعداد ، العجايب التي لا يحصى في عالم الأرقام ... لا تخف من هذا العالم العجيب !!

بنا به حقايق فوق يك فرد آشوري حق دارد به خود بيالدهمانطوريكه من به آشوري بودن خود  
 افتخار ميكنم .

و اما درباره ادبيات آشور تصور ميكنم در اينمورد نظر خود را در پاسخ سؤال شماره 4 و 8 داده باشم

Puzur-Sin, 25 ,, -> [ ] -> -> -> ->

**سؤال بیست و پنجم :** آقای بیت اتانوس سرکار علاقه مفراطی به جمع آوری منقوشات و علائم خاص آشوریهای باستان از خود نشان داده‌اید و دیده‌ایم که اکثر این علائم را مانند علم‌های جنگی و نقش ستاره آشور و گاو بالدار را بصورت سکه‌ها و مدال‌های ساخته شده از طلا و نقره بصورت گردنبند یا سنجاق کراوات و دگمه سردست و از این قبیل ساخته و پرداخته‌اید که فوق العاده زیبا و شایان تحسینند و این کار هنرمندانه شما مایه مباهات ملت ماست . اما نقشی از سایر نقوش در کارهای هنری شما میتوان دید نقش گاو بالدار است با سر انسان ممکن است بفرمائید دلیل علاقه خاص شما به این نقش بخصوص چیست و اصولاً گاو بالدار سمبل چه مظاهری است و مفاهیم آن چیست ؟



**جواب :**

بطور کلی من به کلیه مظاهر و منقوشات عصر امپراتوری آشور علاقه زیادی دارم و لسی علت اصلی علاقه بخصوص من به گاو بالدار این است که در هر موزه که انسان چشمش باین اثر می افتد ابهت - عظمت - ظرافت هنری و تناسب دقیق بدن آن تاثیر مخصوص روی بیننده میگذارد و در حقیقت شاهکاری از هنر آندوران میباشد ، هم اکنون ۲ عدد از این نقش در موزه لوور پاریس - ۴ عدد در موزه بریتانیا ۲ عدد در موزه برلین و دو عدد در موزه متروپولیتن نیویورک و موزه بغداد که در حفاریات شمال بین النهرین بدست آمده است موجود است .

بیشتر این مجسمه های عظیم را جلوی در های ورودی کاخ های سلطنتی بعنوان نگهبان و محافظ روبروی هم یاد مقابل هم می گذاشتند .

و اما اینکه گاو بالدار مظهر چیست باید گفت

۱ - خود گاو مظهر نیرو و قدرت است .

۲ - سر گاو با صورت انسان - مظهر عقل یا خدای « بل » خدای بل بمعنی پدر خدایان روی زمین

۳ - بالها - نمودار سرعت اند



هر فرد یا ملتی که این سه حسن را در دنیای آن زمان در اختیار میداشت میتواندست استقلال خود را حفظ نمایند .

واقعاً در حال حاضر هم وضع همینطور است .  
یعنی هر ملتی که قویتر است حق باوست .

Ur-Ilbaba	6	»	𐎠𐎹𐎷𐎡𐎹
Zimudar,	30	»	𐎠𐎹𐎷𐎡𐎹

**سؤال بیست و ششم :** چرا در افسانه‌ها آمده است که گاوبالدار همان بخت‌النصر پادشاه آشور است که بموجب گناهان بسیار و نافرمانی از فرامین پروردگار بغضب الهی گرفتار شده و بدین ترتیب تغییر شکل پیدا کرد و آیامیتوان این افسانه کاذب را یکی از شاهکارهای قوم یهود و راویان تورات بشمار آورد؟



**جواب :** البته نمیخواهم آنچه در تورات نوشته شده باز گو کنم چونکه خوانندگان تورات خوب میدانند که در این کتاب با اصطلاح تاریخ ناقص که نویسنده گانش یهودی بودند حماسه‌های تاریخ گذشته را که از سینه به سینه نقل میشد درست یا نادرست به نفع شخصی خود اصلاح کرده و مینوشتند .  
از زمانهای قدیم قوم یهود که کشورشان کنعان نامیده میشد بارها مورد تهاجم ملل مختلف از جمله مصریان قرار گرفته و هر بار دست کمک بسوی امپراتوری آشور دراز میکردند و آشوریها نیز هر بار مهاجمین را سرکوب و آنها را نجات میدادند و در مقابل این اقدام یهودیان هم تعهداتی داشتند که متأسفانه از انجام دادن آنها سر باز میزدند .

بهمین علت «آسارهاوون». «سازگن دوم». و «آشور بانپال» ناچار شدند که مملکت آنهارا اشغال نمایند ولی هر بار پس از مدتی طبق شرایطی آنرا به خودشان برمیگرداندند .

هنگامی که سلطنت به بخت النصر که پادشاهی کاربر و مقتدر بوده (ویکی از شاهکارهایش باغهای معروف بابل - باغهای معلق است) رسید ، مقارن آن زمان پادشاه یهود «ایو کیم» بود که از پرداخت تعهدات اجدادیش سرپیچید . بخت النصر که کاسه صبرش از این قولها به لب آمده بود برای همیشه باین وضع خاتمه داد ، و بعد از تصرف کشور کنعان و کوچ دادن ساکنان آن به بین النهرین ، بخت النصر دستور داد عده از اولادان قوم یهود را به تمدن و فرهنگ بابلیها آشنا سازند ، در بین اینها دانیال و سه نفر از رفقاییش بنام - آنینیا - سامایل و ایزریا بودند که علاوه بر آشنائی به تمدن بابلیها ، اسرار و علوم مختلف از قبیل ستاره شناسی و تفسیر خواب و فن سحر و تردستی ( که به اصطلاح عوام الناس بآن معجزه میگویند که موسی نیز در مقابل پادشاه مصر از این فن و شیوه های خاص استفاده مینمود ) رانیز بخوبی فرا گرفتند . نظر باینکه دانیال در تفسیر خواب پادشاه از دیگران ورزیده تر بود لذا بعد از چندی بخت النصر او را به فرمانداری بابل برگزید .

شبی بخت النصر در خواب درخت بلندی را دید که سر به آسمان کشیده و پراز میوه بود و روی آن پرندگانی مختلف نشسته و مشغول تغذیه بودند و زیرش هم حیوانات دشتی و از نوع دامها مشغول چریدن بودند. ناگهان فرشته ای از آسمان نزول کرد و درخت را باشمشیر خرد کرد پرندگان و دامها را راند و ریشه درخت را بازنجیر بزمین بست .

دانیل را صدا کرده و او این خواب را باین نحو تفسیر کرد:

درخت خود شما هستید که عظمتتان جهان را فرا گرفته ، فرشته که از آسمان نازل گردید و درخت را خرد کرد . باین معنی است که شمارا از ملت و مردم جدا کرده و به خوردن سبزی و علف و اخوانند داشت.

و اتفاقاً همینطور هم شد باین معنی که پس از مدتی شاه عقل خود را از دست داده و بجای غذاهای معمولی به خوردن علف مشغول شد. پس از چند سالی شاه به تدریج سلامت وجود و عقل سلیم خود را بازیافت و بحال طبیعی برگشت و مجدداً با کمک نزدیکان و شاهزادگان مقام پادشاهی خود را بازیافت.

به نظر من دانیل که از تمام جزئیات درباره آگاه بود به خوبی میدانست که پادشاه مریض است و پزشکان برای مداوایش خوردن گیاهان و سبزیجات را با او توصیه نموده بودند کما اینکه امروزه نیز در درمان طبیعی خوردن گیاهان و سبزیجات متداول بوده و جمعیت گیاهخواران در تمام کشورها وجود دارند.

و اما علت اصلی بیماری بخت‌النصر از اینجا سرچشمه میگیرد که هنگامیکه وی عازم تصرف شهر نینوا بود و از جوار ویرانه‌های شهر آشور میگذشت چشمانش پر از اشک شده و از نتیجه این اقدام و برادر کشی به عذاب وجدان گرفتار گردید و برای فراموش کردن به میخواری و عیاشی رو آورد متأسفانه باین روش نیز نتوانست از ناراحتی و وجدان نجات پیدا کند و به اختلال حواس دچار گردید.

و همانطوریکه در بالا گفته شد دانیل از تمام این ماجرا باخبر بوده و چون جرأت ابراز چنین توهینی را نداشت لذا آن را بصورت خوابی که در فوق اشاره شد تفسیر میکرد و اما در مورد گاو بالدار باید گفت که این نقش از هزار و پانصد سال قبل از حکومت بخت‌النصر وجود داشته و ارتباطی به جریانات دوران بیماری وی نداشته است.

چنانچه بر فرض محال دانیل برای تسکین سر خوردگی و جبران تصرف کشورش بدست بخت‌النصر جرأت تشبیه شاه را به گاو میداشت قهراً مورد خشم و غضب درباریان قرار گرفته و به اشد مجازات محکوم میشد. بنابراین افسانه فوق صرفاً ساخته و پرداخته نویسندگان تورات است که همواره کینه این شکست را در دل داشته و دارند.

جالب این که این روایت بعد از سقوط شهر بابل توسط کوروش و پس از بر خورداری از آزادی که

او برای آنها در مقابل خوش خدمتی که کرده بودند بارمغان آورد در تورات به رشته تحریر در آمده است .  
اماممه یهودیان به مناطق اجدادی خود نرفتند از جمله خود دانیل .  
چونکه آنها متوجه شدند که زندگی کردن در ممالک مترقی دارای قانون اگر چه در اسارت  
باشند بمراتب بهتر و راحت تر از کشور خودشان میباشد بهمین دلیل آنها تا کنون هم در این ممالک ساکن و  
مانده گار شده اند .

ولی در مورد قسمت اول سئوالتان که به ادعای نویسندگان تورات گاو بالدار همان بخت النصر است  
باید بگویم که هدف اصلی آنها از این تشبیه در حقیقت تحقیر و توهینی به بخت النصر بوده ، ولی اگر آنها  
میدانستند مظهر گاو بالدار چیست هیچوقت شاه را به گاو بالدار تشبیه نمیکردند چون همانطوریکه قبلا  
اشاره شد گاو بالدار مظهر عقل - قدرت و سرعت است که هر انسانی آرزوی داشتن این محسنات را میکند .  
در یکی از روزها « بالتازار » ( بلشاسر ) جشن باشکوهی به اسم یوباوا برپا کرده و همه سران معروف  
قوم در آن شرکت داشتند .

شکوه و جلال جشن طوری بود که حتی تمام ظرفها و جامها از طلا و نقره بود که توسط بخت النصر از  
معابد بیت المقدس به غنیمت گرفته شده بود .

هنگامیکه مدعوین سر گرم خوشی و از باده های مشروب سرمست بودند ناگهان بروایت تورات دستی از  
غیب ظاهر و نوشته ای از آن روی دیوار تالار منعکس گردید بدین شرح مینه - تغل - پارس . برای تعبیر آن  
فرستادند دنبال دانیل و او معنی این نوشته را اینطور تعبیر نمود : که چون شما و مدعوین از این ظرفهای  
مقدس میخواری نمودید لذا خدای آسمانی ما « یهوه » غضبناك شده و دستور داد این هشدار روی دیوار  
ظاهر شود :

- ۱ - منه - یعنی خدا سلطنت تو را به پایان رسانید
- ۲ - ثقل یعنی توزین شدی و بسیار سبک و قلیل در آمدی
- ۳ - پارس یعنی کشور پهناور تو بین پارس ها و مادها تقسیم میشود .  
در همان شب بالتازار در همین جشن به قتل رسید .

چون دانیل طی سالیان دراز خدمت در دربار پادشاهان به وجود نقب های موجود بین قصرها و معابد و بیرون شهر بخوبی آگاه بود لذا شخصاً او کبارو را از یکی از این نقب ها به خوابگاه قصر پادشاه راهنمایی و موجب قتل او گردید .

اما در مورد این باصطلاح نوشته روی دیوار حقیقت امر این است که دانیل با همکاری سه نفر رفقاییش که در بالا بآنها اشاره شد چنین برنامه ای را قبلاً چیده و نوشته مذکور را نیز روی شیشه مثل منشور یا ذره بین مرقوم و بوسیله منبع نوری از قبیل چراغ و نظایر آن روی دیوار منعکس نمودند نظیر صنعت سینمای امروزه توضیح اینکه در آن دوران صنعت شیشه سازی رواج زیادی داشت . ولی چون کلیه مدعوین از فرط مستی از خود بی خود بودند لذا این پدیده برای آنها چیز خارق العاده به نظر رسید و نتیجه امر این شد که امروزه من حقیر ناچار باید ساعتها بی خوابی کشیده و مجدداً با مطالعه انواع کتابهای علمی و تاریخی حقه بازی های دانیل را در جواب سؤالات شما تعبیر و تفسیر نمایم .

باری دانیل در طول مدت حدود ۶ سال یا بیشتر خدمت در دربار آن سه پادشاه با بکار بردن این قبیل روشهای حيله گرانه که از عهده آنها بخوبی بر می آمد برای خود شهرت و اسم رسمی کسب نموده و بطوریکه قبلاً اشاره شد چون کشورش توسط بابلیها ویران شده بود و کینه این کار راهمواره در دل داشت لذا از اختلاف موجود بین روحانیون و پادشاهان حداکثر استفاده را نموده و دائماً بکار خبrenchینی و جاسوسی بین این دو طبقه مشغول بود ، و با استفاده از روشهای ناجوانمردانه با همکاری ایساگیلا و همکارانش که خود در

رأس آنها بوده طرحی برای گشادن دروازه‌های شهر بابل چیده و در اختیار کورش گذاشت و چون اصولاً خودش طراح این قبیل نقشه‌ها بوده لذا هر وقت پادشاه خوابی میدید او خواب را بنا بر سلیقه و منظور خود با اطلاعاتی که درباره اخلاق و رفتار شاه داشت یرای او تفسیر مینمود.

این عمل ناپسندیده که از دانیل نبی (که نبی نبود) در اذهان مردم بیادگار مانده از جمله کارهای است که به بعضی از مردمان امروزی بارش رسیده است.

از این وقایع درمی که می‌آموزیم این است که در اغلب موارد اگر فردی ناگهان از هیچ به همه چیز رسید بلا تردید اخلاقاً نمیتوان از او بیش از این انتظاری داشت بهمین علت این بیت بوجود آمد که گفته‌اند :

یارب روا مدار گدا معتبر شود

گر معتبر شود ز خدا بی‌خبر شود



Uziwadar  
Elmuti  
Imu-Shamash  
Nania

6 „  
11 „

𐎠𐎢𐎽𐎢𐎡𐎹𐎠𐎧𐎺  
𐎠𐎢𐎽𐎢𐎡𐎹𐎠𐎧𐎺  
𐎠𐎢𐎽𐎢𐎡𐎹𐎠𐎧𐎺  
𐎠𐎢𐎽𐎢𐎡𐎹𐎠𐎧𐎺



سؤال بیست و هفتم : در تورات آمده است که بابلیها برج معروف بابل را به این منظور بنا کردند که برفراز آسمانها دست یافته و از آنجا باخدای آسمان به مقابله و ستیز در آیند و خداوند به منظور تنبیه آنان مقرر فرمود که مورچگان اساس و بنیان آن بنای عظیم را متخلخل کنند تا بر سراسوار کنند گانش ویران شود شما این فرموده تورات را چگونه توجیه میکنید و اصولا باعتقاد شما هدف اصلی از بنیاد این بنا چه بوده است .



جواب :

در ابتدا مردم به يك زبان تکلم مینمودند که محل سکونتشان دشت «سنا آر» و بین رودخانه های دجله و فرات بود . چون این سرزمین بسیار حاصلخیز بوده وضع زندگی ساکنان آن روز بروز رونق بیشتری پیدا کرد . در اثر این رفاه و بهبود زندگی مردم مغرور شده و تصمیم به ساختن برجی بلند و سر به فلک کشیده گرفتند . در ساختن این برج بجای سنگ و آهک از آجر پخته و گل استفاده میکردند .

یهوه خدای یهودیان از این غرور بشر غضبناک شده و برای متوقف کردن ساختمان مزبور آنها را وادار کرد به زبانهای مختلف تکلم نموده به نحوی که زبان همدیگر را نمیفهمیدند . در اثر این وضع کار ساختمان رانیمه کاره رها و در دنیای آن زمان پراکنده شوند . از آن تاریخ به بعد زبانهای مختلف دنیا بوجود آمد . محلی که این برج در آن ساخته میشد بابل نامیده شد .

اما به نظر من علت واقعی متوقف ماندن ساختمان برج این بود که قبل از اتمام ساختمان در اثر فشار وزن ، آجر های اطراف برج شروع به خورد شدن نمودند و با مشاهده این امر سازندگان برج از ادامه ساختن آن صرف نظر نمودند .

Of ERECH (about B.C. 2720-2695).

Lugalzaggisi 25 years

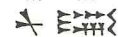


Contemporary rulers of UMMA.

Ukush



Kur-shesh



سؤال بیست و هشتم : بعنوان يك محقق در امور تاریخ بفرمائید آیا بین روایات کتاب مقدس تورات و واقعیت‌های تاریخ بخصوص در مورد تاریخ آشور باستان فرقی هست و اگر هست این تعرض در کجا است به چه دلیل .



جواب : بطوریکه قبلا در جواب چند سؤال شما اشاره گردید نویسندگان تورات وقایع و حقایق مربوط به آشور و بابل را به نفع خود تحریف نموده و در نوشته‌های خود بعنوان يك سند تاریخی در تورات ثبت مینمودند .

خوشبختانه اکتشافات و حفاریات LAYARD لایرد باستان‌شناس معروف انگلیسی که حدود ۱۵۰ سال پیش در بین‌النهرین خاصه در منطقه نینوا بعمل آمده منجر به کشف کتابخانه آشور بانیپال گردید که شامل حدود ده هزار لوحه از گل پخته و به خط میخی بود. پس از کشف و قرائت متن این لوحه‌ها که بازحمات زیاد علمای باستان‌شناس بعمل آمد معلوم گردید کلیه روایات تورات مربوط به تاریخ قوم آشور دور از حقیقت بوده و کذب محض است.

ادامه تحقیق در بساره این لوائح حقایق بیشتر را در مورد تاریخ قوم آشور روشن و غرض‌ورزی نویسندگان تورات را تأیید و تسجیل نمود.

*Of AGADE (about B.C. 2700-2500).*

Sargon (Sharru-kin),	55 years	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 (𐎶𐎵)
Rimush,	15 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Manishtusu	7 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Narâm-Sin	56 "	(𐎶𐎵) 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Shar-gali-sharri	24 "	(𐎶𐎵) 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Igigi	4 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Imi	4 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵
Nanum	4 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Ilulu	4 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Dudu,	21 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵
Shu-dur-kib (?)	15 "	𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵 𐎶𐎵



سؤال بیست و نهم : به نظر شما آیا راویان تورات يك سونگری نکرده اند؟ بکلامی دیگر آیا میتوان گفت که بدلائل تعصبات ملی و مذهبی و شاید هم نژادی و گاهی کینه توزی نویسندگان تورات حقایق را لوٹ کرده و واقعیت های تاریخی را به گونه ای برشته تحریر آورده اند که بنوعی کاملاً سیاستمداران ملت افتخار آفرین آشور را که بحق شب چراغ تمدن بشری لقب گرفته است تضعیف و تحقیر کرده و قوم یهود را قوم خاص و محبوب خداوند جلوه دهند.



جواب : در پاسخ این سؤالتان من کاملاً باشما موافق بوده و حقیقت هم اینطور است که اشاره کرده اید و در پاسخ چند فقره از سؤالات قبلی نظر خود را بهمین نحو اظهار داشته ام.

Of FRECH (about B.C. 2500-2475).

Ur-nigin, 3 years

Ur-gigir 6 "

Kudda 6 "

Puzur-ili 5 "

𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠

𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠

𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠

𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠 𐎶𐎠𐎺𐎠

سؤال سی ام : بین روایات تورات و آیات کریمه قرآن اکثر اختلافات فاحشی ملاحظه میشود، به نظر شما دلیل این اختلافات چیست و منشأ آن کدام است؟



جواب : باید اعتراف کنم که تاکنون این مسئله به فکرم نرسیده و بالنتیجه مطالعه ای در باره این اختلاف متنها ندارم.

چنانچه علاقمند به کسب اطلاعات دقیق و پاسخ مستدلی به این سؤالتان هستید توصیه من این است

که به مراجع تقلید دین اسلام و همچنین خاخام‌های یهود مراجعه فرمائید و اگر پاسخ قانع کننده دریافت کردید بسیار متشکر خواهم بود این موضوع را برای من هم روشن سازید.

Ur-Utu 6 „

۴۲ -> ۴۱

سؤال سی و یکم : حالا که صحبت از قرآن کریم به میان آمد میدانیم که گروهی از مردم مدینه به نام انصار که پاك‌باخته‌ترین یاران پیغمبر اسلام و امام علی بودند در اعتلای دین اسلام سهمی عظیم بعهدہ داشتند مسیحی بودند اما چگونه میتوان ثابت کرد که آشوری هم بودند؟



جواب : همانطوریکه اظهار داشته‌اید و همه میدانند گروهی از یاران پاك‌باخته پیغمبر اسلام و حضرت علی که به انصار معروف اند مسیحی یا «انصارا» بودند که از همان کلمه نصر و انصار مشتق است. ضمناً میدانیم که قبل از اسلام غیر از آشوری‌ها که ساکن بومی آن مناطق بودند دیگرانی که مسیحی باشند وجود نداشتند و حتی طبق نظریه «لوئیس عبوض» صدها سال قبل از ظهور اسلام مکتب‌های فلسفی و تمدن‌های مربوط به آشوری‌ها و بابلی‌ها در آن سرزمین‌ها وجود داشته که متعلق به ساکنان بومی آن مناطق بوده و نمیتوان منکر این حقایق شد و حتی بعد از ظهور اسلام نیز با وجودیکه زبان عربی بتدریج توسعه یافته و جای سایر زبان‌های متداول محلی را می‌گرفت معذک بقایای اقوام آن سرزمین‌ها همواره در حفظ و نگهداری زبان مادری خود که همان آرامی است کوشا بوده و هستند .

برای اثبات این امر میتوان به شماره سوم «مجله نشنال جیو گرافیک ماگازین» مورخه ۱۹۷۸ مراجعه نمود در این شماره در مقاله مصوری که یکی از دهات سوریه فعلی است به نام «مالولا» و معروف به قلعه مسیحیت است که دارای ۱۵۰۰ نفر ساکن، با وجودیکه در مدرسه به زبان عربی درس میخوانند معذک رسم شان این است که برای حفظ زبان مادری در خانه زبان آرامی میآموزند و این رسم ۲۶۰۰ سال ادامه دارد که در دیرها و بین خانوادههای قوم آشور در بین النهرین همچنان ادامه دارد، در اینجا باید متذکر شد قبل از انقراض امپراتوری آشور در شهرهای نسبین و هرن دانشکدهها و مراکز آموزشی عالی داشتند که در آنها علوم پزشکی - ستاره‌شناسی - ریاضیات و سایر علوم در سطح عالی تعلیم میشد که بعد از چندین سال به دانشگاه جندی شاپور منتقل و استادان آشوری در آن بزبان آکادی که در آن زمان زبان رسمی آموزشی بوده سرگرم تدریس بودند با معروفترین استادان که ۱۱ نفر از خاندان بخ‌ایشوع بودند که عبارتند از:

۱- بخ‌ایشوع بزرگ - جورجیس بخ‌ایشوع رئیس بیمارستان جندی شاپور این شخص همان طبیعی است که وقتی منصور خلیفه عباسی بیمار شد و پزشکان بغداد در معالجه او عاجز میمانند به بغداد احضار شد و خلیفه را مداوا نمود.

خلیفه او را برای پذیرفتن دین اسلام و اقامت دائم در بغداد تشویق مینماید ولی جورجیس پاسخ میدهد که ترجیح میدهم که در جهنم یا بهشت همراه اقوام و پدرانم باشم. خلیفه لبخندی زده و اظهار میدارد که از وقتیکه تو آمدی از تمام بیماریهایی که به آنها عادت کرده بودم رهایی یافتم و سپس او را با اعطاء هزار سکه طلا همراه خادمی روانه جندی شاپور میکند (نقل از مجله جوانان شماره ۱۰۵ مورخ ۱۳۳۶).

بعد از دانشگاه جندی شاپور ۹۰۰ سال قبل اولین دانشگاه در اروپا در شهر کراکولهاستان تأسیس و بعد از صد سال در انگلستان و ۵۰ سال بعد در فرانسه و بعداً در سایر ممالک تأسیس گردید.

علاوه بر اینها در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی همزمان با ابوریحان بیرونی و ابن سینا یکی از برجسته‌ترین علمای وقت يك نفر آشوری بود به نام ابوسهل مسیحی که از دوستان و همکاران نزدیک ابن-سینا بود .

در اینجا باید متذکر شد در بین النهرین هنوز قبایلی وجود دارند که نه به دین مسیح و نه به دین اسلام گرویده و پیرو دین اصلی خود که ۹۰۰۰ سال یا بیشتر قدمت دارد میباشند و خدای یکتا یعنی خدای آسمانی را پرستش میکنند که حضرت نوح هم در حقیقت پیرو همان مکتب بوده است. فلسفه آموزنده این دین پس از ترجمه لوحها و ستون معروف همورابی آشکار گردید و معلوم میسازد که تعالیم حضرت ابراهیم - موسی و عیسی همه از مکتب آن نوشته‌ها الهام گرفته‌اند، طبق گفته آقای قریاقوس که مدت ۴۰ سال در بین این قبایل زندگی کرده است آنها هنوز هم در انتظار مراجعت بخت النصر هستند تا آنها را از ظلم و بدبختی که ظرف چند هزار سال متحمل شده‌اند رهائی بخشد، کما اینکه مسیحیان و مسلمانان نیز در انتظار ظهور مجدد حضرت مسیح و امام مهدی قائم میباشند.

افراد این قبایل به ما آشوریهای مسیحی با نظر استهزاء نگریسته و از مادوری میجویند و اظهار میدارند که شما آشوری حقیقی نیستید و ایرادی که در این مورد به ما میگیرند این است که میگویند: «شما در دین آباء و اجدادی خود چه عیب و ایرادی مشاهده کردید که رفتید و پیرو دین مسیح شدید»؟

به نظر من گفته‌های آنها کاملاً منطقی است، با وجودیکه من فئاتیک نیستم و به تعالیم آموزنده کلیه ادیان احترام میگذارم معذک هر وقت که صحبت از «اله آشور ~~Adad~~ Adad» میشود بی اختیار تو جهم بیشتر به آن جلب و لبخندی مخصوص در صورتم ظاهر میشود و این امر ثابت میکند با وجود گذشت هزاران سال هنوز

خون اجدادی درر گهایم باشنیدن آن کلمه میجو شد، واگر بنا باشد روزی مجدداً به آداب و رسوم دین قدیم اجدادی خود بر گردیم، من اولین فردی خواهم بود که در این راه پیشقدم شوم و امیدوارم که سایر همکیشان گرامی نیز در این مورد بامن هم عقیده باشند.

اما برای اثبات اینکه به طور قطع و یقین گروهی از یاران پیغمبر اسلام آشوری مسیحی بودند کافی است به کتاب «آشوریه در دو جنگ جهانی تألیف مرحوم یعقوب ملک اسمعیل» مراجعه شود. در این کتاب آمده است که به پاداش خدمات ذیقیمتی که کشیشان آشوری به بسط و توسعه دین اسلام نموده بودند بدستور پیغمبر اکرم يك فتوای رسمی به امضای ۳۳ نفر از نزدیکترین یاران پیغمبر از جمله حضرت علی ابن ابیطالب رسیده که در آن مقرر فرموده بود که این قوم باید از هر گونه ظلم و تعدی مصون و در نیایش خدا و انجام فرایض دینی خود از آزادی کامل برخوردار باشند و حتی در مرمت عبادتگاههایشان نیز لازم است به آنها کمک شود و هر کس خلاف این فتوا عمل کند دشمن دین اسلام محسوب خواهد شد.

اسامی امضاء کنندگان فتوای مزبور بشرح زیر است:

- |                     |                                |
|---------------------|--------------------------------|
| ۱- ابوبدر صادق      | ۲- عمر بن کتاب                 |
| ۳- عثمان ابو عنیان  | ۴- علی ابن ابوطالب علیه السلام |
| ۵- معاویه ابوسفیان  | ۶- ابودردا                     |
| ۷- ابوذر            | ۸- ابو براه                    |
| ۹- عبدالله بن مسعود | ۱۰- عبدالله بن عباس            |
| ۱۱- حمزه بن المطلب  | ۱۲- فضیل بن عباس               |

- |                              |   |
|------------------------------|---|
| ۱۴- طلعت بن عبدالله          | ۱۳- زبیر بن عوام                              |
| ۱۶- سعید بن عبدالله          | ۱۵- سعید بن یزید                              |
| ۱۸- یزید بن بیت              | ۱۷- سبت ابن قیاس                              |
| ۲۰- ساهل ابن مسعود           | ۱۹- عبدالله ابن یزید                          |
| ۲۲- داود ابن گباح            | ۲۱- عثمان ابن مسعود                           |
| ۲۴- عبدالله ابن آل عمر القاص | ۲۳- ابوال علیا                                |
| ۲۶- ابن عیسی                 | ۲۵- ابن حدیفه                                 |
| ۲۸- عمر ابن بصیر             | ۲۷- ابن دو عیا                                |
| ۳۰- حسن ابن ثبات             | ۲۹- هاشم بن عسیا                              |
| ۳۲- کعب ابن کعب              | ۳۱- کعب ابن ملیف                              |
|                              | ۳۳- جعفر ابن ابوطالب. رضوان اله علیهم اجمعین. |

این سند از آن زمان تا سال ۱۹۱۵ در اختیار مار بشیامین شمعون اسقف اعظم آشوریهها بود ولی در نتیجه جنگ و مهاجرت خانواده مار شمعون مفقود شد و بقرار اطلاع در حال حاضر در موزه استامبول نگهداری

میشود .

Of GUTIUM (about B.C. 2475-2350)

Imbia	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Ingishu	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Warlagaba	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Iarlagash	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Erridu-pizir	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Lasirab	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Siûm	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Saratigubisin	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁
Tirigân	𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁 𐎠𐎢𐎽𐎢𐏁

(And 12 other kings.)

سؤال سی و دوم : حالا که بحث ازدیانت روحانیت به میان آمد اجازه بفرمائید گریزی دیگر بزنیم. بفرمائید که به نظر شما آیا اساس سیاست از مذهب جدا است؟



جواب : به نظر من ایندو قاعدتاً باهم جور در نمی آیند چون پایه و اساس دیانت و مذهب روی اندیشه نیک - گفتار نیک - و کردار نیک است که انسان را به اوج افتخار میرساند. در صورتی که سیاست بادروغ - جاسوسی - رشوه و سایر افعال ناپسند بشری سروکار دارد که بر-عکس دیانت و روحانیت انسان را به نیستی هدایت میکنند.

*Of ERECH (about B.C. 2350- ?).  
Utu-khegal  
(And other kings.)*

→ ۲ ۴ ۳ ۳ ۳ ←

سؤال سی و سوم : در دنیای آشفته امروز در میدان پیکار جهانی تمام ملت ها دو نیروی ستمگر و تحت ستم رودر روی یکدیگر در مبارزه ای سخت و پیگیر ایستاده اند، نیروهای استعمارگر و امپریالیسم از یک سو و خلقهای تحت ستم از سوی دیگر.

اگر نگوئیم که در طول تاریخ مبارزات ملی کلیسا و روحانیت مسیحی همواره حامی نیروهای سرمایه دار و بورژوا بوده است حداقل به جرات میتوان گفت که در صحنه مبارزات فراگیر بین نیروهای کاپیتالیسم و پرولتاریا بی تفاوت مانده و به چرخاندن تسبیح و تحصن در کنج کلیساها و خواندن اوراد و نماز بسنده کرده است، تا عصر رنسانس که میتوان از آن بعنوان رنسانس مذهبی هم نام برد.

در جریان جنگ اول جهانی مارشمعون شهید رهبر فقید آشوریهای جهان در مقام يك رهبر روحانی اگر نگوئیم برای اولین بار در تاریخ کلیسا ولی به جرأت میتوان گفت بعنوان نمونه بارز و سمبل روحانیت راستین قدم در میدان مبارزات خلق میگذارد و رهبری مبارزات خلق خود را بعهدہ میگیرد، پس از مارشمعون شهید در قشر روحانیت مسیحی از روحانیون مبارز و سخت کوشی مانند «اسقف هیلاریون کاپوچی» رهبر بزرگ خلق فلسطین و پدر روحانی ارنستو کاردینال روحانی مبارز خلق نیکار اگوئه و سخنگوی جبهه ساندنیست‌ها و یاپدر روحانی «هلور کامارا» که بسان شعله‌هایی توفنده سراسر آمریکای جنوبی را به آتش طغیان و انقلاب بر علیه ظلم و ستم مستکبرین و امپریالیستها کشیدند می‌توان نام برد، دردنیای اسلام بویژه از بدو انقلابات مشروطه خواهی تا به امروز نام روحانیون مبارز مسلمان در آسمان تاریخ ایران درخشش خاصی دارد که در رأس آنان میتوان از حضرت آیت‌الله خمینی و حضرت آیت‌الله طالقانی نام برد.

عدم حضور روحانیون مبارز مسیحی آشوری بخصوص در سالهای اخیر در جامعه آشوریهای ایران و جهان بشدت محسوس است. با اعتقاد شما چگونه میتوان روحانیت مسیحی و کلیساها را به این خوان گسترده و بیدریغ مبارزات خلق آشور دعوت نمود و از حضورشان در این میدان مبارزه نعمت و برکت حاصل کرد.

جواب :

همانطوریکه میدانیم از زمانهای قدیم همواره بین طبقه ستمگر و ستم‌دیده برخورد وجود داشته و دارد. هنگامیکه فشار و ظلم از حد معینی گذشت طبقه ستم‌دیده چاره‌ای جز قیام ندارد و در این وضع مقابله با آنها برای طبقه ستمگر بسیار دشوار و بلکه غیرممکن میگردد.

برای مثال میتوان از قیام کاوه در ایران - استپان رازین و پوگاچف در روسیه - انقلاب کبیر فرانسه.



سپس انقلاب روسیه که منجر به سرنگون شدن رژیم‌های استبدادی آنوقت گردید و همچنین انقلاب اخیر کشور خودمان نام برد ، حتی میتوان گفت جنگ بین المللی اول نیز که در آن دنیروی استعمارگر برای جهان‌خواری و تسلط ممالک کوچک و ضعیف روبروی هم قرار گرفتند برای همین منظور شعله‌ور گردید .  
در مسیر عبور لشکریان متخاصم اغلب اقوام کوچک ساکن آن مناطق زیر دست و پای این نیروها از بین می‌رفتند ، کما اینکه در شمال شرقی امپراطوری عثمانی حدود ۱/۵ میلیون خلق آرامنی و دویست هزار نفر از آشوریها که در بین آنها در آن مناطق ساکن بودند قتل عام شدند.  
بقایای قوم آشور که بعد از انقراض امپراطوری آشور به مناطق کوهستانی سلسله جبال نمرود در جنوب شرقی ترکیه فعلی مهاجرت و در ارتفاعات آن برای خود پناهگاه‌هایی بوجود آوردند که به لانه‌های عقاب مشهور گردید و در آن مناطق به زراعت و دامداری مشغول شدند، و برای شکار و همچنین دفاع از خود از تفنگ‌های قدیمی سرپر استفاده مینمودند، ولی چون در برابر لشکریان عثمانی که به انواع اسلحه‌های مدرن آن زمان مجهز بودند قدرت مقاومت نداشتند.

لذا ناچار به ترك لانه و کاشانه خود شده و به صفحات غربی آذربایجان مهاجرت و تحت لوای مرحوم پاتریارک مارینیمین شمعون با همکاری سرداران قوم از قبیل ژنرال آقا پطرس الین - ملک قنبر - رافائل خان - ملک خوشابه - آقا ایزاریا - یا کوملک اسمعیل و دیگران از موجودیت خود دفاع میکردند.

در اینجا یاد آور میشود انگلیس‌ها این قوم کوچک و مبارز را برای مقابله با لشکریان عثمانی به نفع خود تحریک و با وعده و وعید آنها را امیدوار می‌ساختند که به پاداش این کار برای پس گرفتن زمینهای اجدادی و حق خود مختاری از کمکهای لازم برخوردار خواهند شد، ولی مثل همیشه زیر قول خود زدند، برای اطلاع دقیق از چگونگی امر بر هر فرد آشوری واجب است .

کتاب the British Betrayal of the Assiyrans تألیف یوسف ملک.

و کتاب Our smallest Ally به قلم کشیش و یگرم را مطالعه نماید روی جلد کتاب اخیر مؤلف با لحن طنز آلود و انتقاد از خودشان چنین نوشته است.

« Can it be said that we have played the game, by those to whom we gavs promises and who served us Because they trusted those promises. »

و اما در مورد اینکه چگونه میتوان از وجود روحانیون آشوری استفاده نمود ، به نظر من بعلمت تعداد فرقه‌های مختلف مذهبی و وجود تفرقه در بین آنها انجام اینکار میسر نخواهد بود مگر اینکه مثل ۲۰۰ سال پیش که همه تابع یک فرقه شوند و با اتحاد و اتفاق کامل از وجود رهبران روحانی خود به نفع ملت استفاده می نمودند، و بالا اقل اگر مقامات فعلی روحانی بتوانند قوای خود را یکجا جمع و برای یک هدف فعالیت نمایند برای آغاز کار قدمی مثبتی خواهد بود .

لذا ما از رهبران روحانی خود انتظار داریم همانطوریکه حضرت ابراهیم موسی و عیسی برای هدایت و جلو گیری از پراکنندگی قوم خود ظهور نمودند ، اینها نیز در همان راه قدم گذاشته و مساعی خود را در راه اتحاد و یگانگی افراد تحت رهبری خود صرف نمایند.

برای اثبات این مدعی میتوان به انجیل متی ۱۵ مراجعه نمود آنجا آمده است که زنی به حضرت عیسی مراجعه و تقاضای مداوای دختر مریمش شد، در ابتداء آن حضرت از مداوای آن دختر بیچاره امتناع نمود و به شاگردان خود اظهار داشت که من فقط برای نجات گمراهان قوم اسرائیل آمده‌ام و اضافه نمود که خوب نیست که انسان نان فرزندان خود را جلوی سگان بریزد.

از این روایت چنین نتیجه گیری میشود که رهبران هر قوم در درجه اول باید مساعی و فعالیتشان صد درصد به نفع جامعه خود و ساکنان کشور خودشان باشد.

اما در مورد اسقف کاپوچی به نظر من یک فرد روحانی بهتر است از طریق تعالیم دینی و مذهبی

فعالیت نماید نه از طریق حمل اسلحه قاچاق تا بعداً نیز گرفتار شود و همینطور هم در مورد سایر مقامات روحانی که اشاره کرده اید چون برای مارو شن نیست که آنها از طرف خدای آسمانی و یا از جانب خدایان زمینی آمده اند و قدم در میدان مبارزات خلق ها گذاشته و ما را مثل گوسفند اینطرف و آنطرف میکشانند .  
 بنابراین تشویق و ترغیب رهبران روحانی جامعه مابهمبارزه که هنوز هدف نهائی مان کاملاً مشخص نبوده و بعلت تشمت و پراکنندگی افراد ملت که نقطه ضعف بزرگی است و از تکیه گاه مطمئنی نیز برخوردار نیستیم نتیجه بخش نخواهد بود.

*Some contemporary rulers of LAGASH.*

Lugal-ushumgal  
 Ur-e

𒌦𒌦𒌦𒌦 𒂗𒌦 𒂗𒌦𒌦𒌦  
 𒌦𒌦𒌦 𒂗𒌦𒌦𒌦 𒂗𒌦𒌦𒌦

سؤال سی و چهارم : بر میگرددیم بر سر موضوع اصلی بحث مان که بیشترین هدف بهره گیری از تخصص شما در مورد تاریخ آشور و اساطیر و هنر آشور باستان بود و صحبتی کردیم و اشاره ای به کارهای هنری شما که با علاقه ای وافر نقوش برجسته مربوط به اساطیر و تاریخ آشوریهای عهد باستان را چه هنرمندانه بصور مختلف زنده میکنید و صحبتی کردیم درباره گاو بالدار و مظاهر آن .  
 یکی دیگر از نقوش مورد علاقه شما که در کارهایتان بسیار دیده میشود نقش ستاره آشور است ، خواهش میکنیم توضیح بفرمائید که این نقش چه مفهومی دارد، در چه دورانی از تمدن آشور ابداع شده و رنگهای واقعی آن چیست و آیا این رنگها مفهوم بخصوصی دارند یا صرفاً از جنبه تزئینی برخوردارند؟

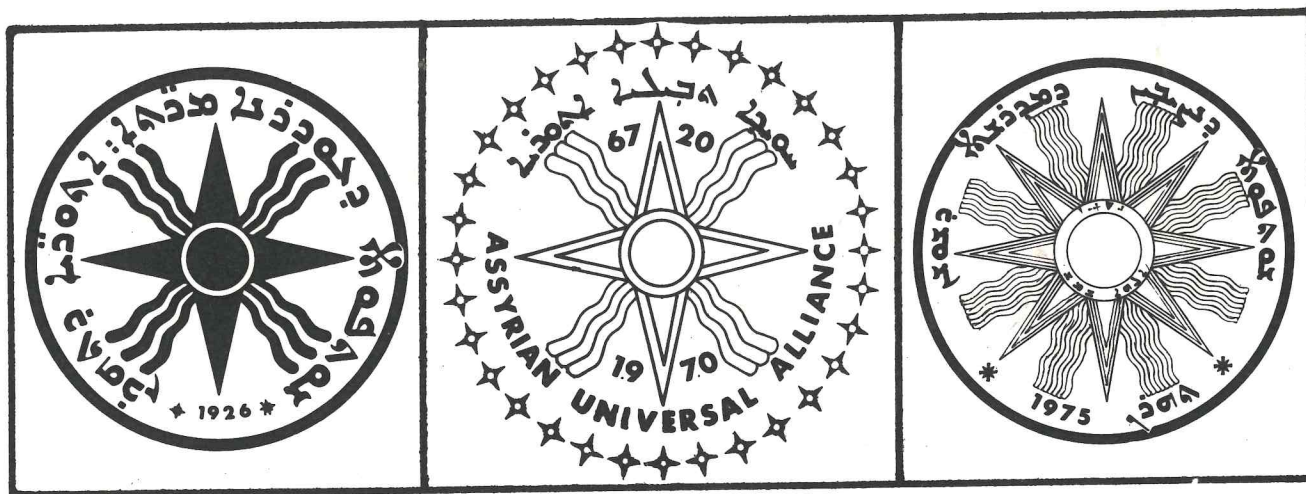


اصولاً در تاریخ قوم ماسمیلی تحت عنوان ستاره آشور وجود ندارد و آنچه بعنوان ستاره در غالب نشریات آشوری مشاهده میشود در حقیقت عنوانش شمش (شمس) آفتاب است که چون شباهتی به ستاره

**جواب :**

داشته و با تاریخ قوم ما وابستگی دارد آنرا بر حسب عادت ستاره آشور مینامند که البته صحیح نمیباشد .  
 من روی این تصویر دقیقاً مطالعه و پس از بررسیهای زیاد بر روی نقوش برجسته و لوحها به آن شکل و تناسبی  
 واقعی داده ام که ملاحظه فرموده اید .

و اما خودشمس بدو شکل در تاریخ مامنقوش است یکی دارای ۴ شاخه با ۴ دسته از اشعه نور که  
 هر دسته بایک ، دووسه شعاع اشعه نور و دیگری با ۸ شاخه که دارای ۷ و ۱۱ اشعه نور نیز وجود داشته است ،  
 این نقش نمودار بخشندگی حیات تمام موجودات روی زمین میباشد . اشکال مختلف آن را که ذیلا  
 مشاهده میفرمائید از روی مدارك باستانی گرفته شده که روی لوحه های سنگی منقوش بوده است .



خوشبختانه یکی از نمونه های کوچک آن که از سرامیک و شیشه ساخته شده و بعنوان زینت بگردن  
 آویزان میکردند در اختیار اینجانب بوده و منحصر بفرهنگ است که نقوش آن برجسته بوده و دارای يك شعاع نور ضخیم است  
 که از مرکز دایره بچهار طرف منشعب شده و احتمالا متعلق به سه هزار سال قبل از میلاد میباشد .



در فضای آن بین شاخه‌ها هشت عدد گلوله وجود دارد که ممکن است نمودار کرات شناخته شده آسمانی اندوران باشد .

۱ - یکی از این دایره‌ها موسوم به سین نمودار ماه و سمبل خدای آبیاری و باغات میباشد - سین بمعنی آفتاب شب نیز آمده است . در ضمن ایشتار در مضمون کتابها خدای سین ذکر گردیده است .

۲ - میروداخ که همان ستاره ماسرس میباشد که بخاطر قرمز بودن رنگش از همان دوران او را میشناختند .

۳ - بل - که ستاره ساتورن است .

۴ - نبو - ستاره مر کوری است .

۵ - یاو - ستاره ژوپیتراست .

۶ - شمش - آفتاب شمس و دوتای دیگر احتمالا نمودار ستاره ونوس است که در هر بیست و چهار ساعت

دوبار ظاهر میشود يك بار در سحر گاه و بار دیگر شامگاهان .

اما راجع به رنگها - اگر دقت کرده باشید ملاحظه خواهید کرد در نقوشی که روی تخته سنگها کنده کاری شده این سمبل « الهه شمش » بدون رنگ و برنگ خود سنگ میباشد ولی در نقوشی که از سرامیک ساخته شده رنگ آن طلائی است که مظهر آفتاب آتشین و بخشنده زندگی روی زمین میباشد .

حدود ۳۵ سال پیش که با تاریخ قوم خودمان آشنا شدم احساس افتخار آشوری بودنم روز بروز بیشتر میشد و این سال مصادف بود با برگزاری اولین مسابقات المپیک جهانی در برلن و چون در آن دوران خود يك فرد ورزشکار بودم با مشاهده کشورهای شرکت کننده و پرچم هایشان ، به سعاد تشان غبطه می خوردم و بخودم میگفتم چرا نباید ما هم پرچمی داشته و پیشاپیش اکیپ ورزشکاران خودمان در این قبیل مسابقات شرکت میکردیم ؟ با این تفاوت که اگر من حامل پرچم ملت خود بودم امکان نداشت که آنرا در مقابل تریبون سران کشورها بحال احترام پائین بیاورم چون به نظر من هیچ شخصیتی لیاقت آن را ندارد که پرچم کشوری در برابر او پائین آورده شود مگر در مقابل خدای بزرگ « آشور » که هم اسم جد ما میباشد .

سالیان دراز گذشت تا اینکه اتحادیه جهانی آشوریهها (AUA) تشکیل و از افراد ملت تقاضا گردید تا روی انتخاب نوع و شکل پرچمی برای آشوریان مطالعه و پیشنهادات خود را در جلسات بعدی ارائه دهند

و چون از سالها قبل من در این باره فکر و بررسی نموده و ایده‌هایی آماده داشتم لذا در ششمین اجلاس کنگره جهانی آشوریها که در شهر یانکرس بر گذار شد من اتود آماده خود را ارائه دادم که با اتفاق آرا در همان جلسه به تصویب رسید و علت تصویب آن این بوده که اولاً اینجانب هیچ چیزی را از خود باصطلاح ابداع نکرده بودم بلکه تنها هدف من این بود که آنچه ما در تاریخ باستانی خود داشتیم استخراج و جمع آوری و دوباره زنده نمایم و چون این خواست هر فرد آشوری بود لذا بدون چون و چرا مورد قبول واقع گردید و بر دل حضار نشست .

توضیحاً اضافه مینماید که در طرح پیشنهادی من تمام اجزاء طرح چیزهایی بود که مادر تاریخ قوم خود داشته‌ایم و تنها کار من این بود که چگونه این اجزاء را تنظیم کنم تا اثر کیب آنها از نظر بصری روح بخش و در عین حال افتخار آمیز باشد .

کار بعدی من رنگ آمیزی این پرچم بود که مفاهیم رنگ‌های آن بشرح زیر است :

۱ - رنگ تصویر وسطی که همان شمش باشد در وسط آن طلائی بمعنی آتش است که حیات بخش تمام موجودات روی زمین است و چهار پر اصلی تصویر وسطی برنگ آبی آسمانی روشن که نمودار شادی است .

۲ - سه شاخه که مابین پرهای وسطی به چهار طرف منشعب میشوند یا نمودار اشعه نور هستند و یاسمبل رودخانه‌ها که من این فرضیه دوم را انتخاب و به تناسب موجود در وسط آنها را بشکل رودخانه به چهار طرف ادامه دادم و مفهوم آن این است که همانطوریکه ما از آن کانون به چهار طرف دنیا کوچ کردیم همانطور نیز امیدوارم از همان راه‌هاییکه رفتیم بار دیگر بوطن اصلی خود باز گردیم ، این رودخانه‌ها عبارتند از دجله -

فرات وزاب بزرگ ، فرات برنگ آبی که نمودار فراوانی است - وسطی برنگ سفید نمودار صلح و قرمز سمبل خون و بمعنی افتخار است .

ضمناً در قسمت فوقانی الهه شمش تصویر الهه آشور است در حال آمادگی جنگی برنگهای اصیل خود از سرامیک رنگی که اصل آن در حال حاضر در موزه بریتانیا بطور امانت نگهداری میشود ، در قسمت بالای چوب پرچم اشتاندارد سازگن دوم است که از طلا بوده و همیشه بالای سر پادشاه قرار داشت تا سران لشکر از محل فرمانده کل قوا آگاه باشند .

تنها سؤالی که مطرح شد این بود که چرا از رنگ ارغوانی که گویا مورد علاقه آشوریان در آن زمان بوده در این طرح استفاده نکرده اید ؟ پاسخ من باین سؤال این بود که مادر تاریخ خود تصاویر و سرامیک های رنگی همه نوع رنگها را مشاهده میکنیم بخصوص رنگهای آبی و طلایی و دلیلی در دست نیست که رنگ ارغوانی مختص ما باشد و همانطوریکه میدانید ۷ رنگ اصلی وجود دارد که عبارتند از : قرمز زرد - سبز - آبی - بنفش - سفید و سیاه که مربوط به کلیه ملل دنیا میباشد ، بعلاوه رنگ ارغوانی ترکیبی از رنگهای قرمز و آبی میباشد که فنیقیها در تهیه آن به گامهای مختلف از رنگ خیلی روشن به تیره در صنعت سرامیک سازی تخصص زیادی داشتند که در حوزه دریای مدیترانه فرآورده های سرامیکی آنها از این رنگ شهرت فراوانی داشته است ، بهمین دلیل نمیتوان ادعا کرد که این رنگ اختصاص به آشوریا داشت ، ما از همه رنگها استفاده میکردیم از جمله رنگ سبز که بعلت فقدان آن در طبیعت حوزه جنوبی بین النهرین مورد علاقه وافر آشوریا بوده است .

ضمناً باید یاد آور شد که ادیان و فرقه های مذهبی نیز از رنگها به عنوان سمبل مذهب خود استفاده



مینمودند ، مثلاً رنگ آبی که مورد علاقه مسیحیان ، رنگ قرمز مورد توجه بودائیان رنگ سفید مختص پیروان مکتب هندو ، رنگ سبز علامت دین اسلام و رنگ طلائی مورد علاقه دین شنیتو ژاپنیها است .  
 ضمناً در مورد معنی اسامی رودخانه دجله و فرات یاد آور میشود بگفته آقای فریدون میرزا کلمه دجله یا دجله دیقلات یا 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 . تقلا که بزبان آکادی بمعنی خرما است که در اطراف این رودخانه فراوان کاشته میشود .

رودخانه فرات یا پرات 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 بمعنی 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 فراوانی است چون در اطراف این رودخانه عملیات زراعی و کانال کشی و آبیاری از آغاز سکونت اقوام آن منطقه رایج بوده لذا مردم از لحاظ محصولات کشاورزی و فرآورده های دیگر در نهایت رفاه و بی نیازی زندگی میکردند و بهمین دلیل این رودخانه به پرات نامیده شد .

Puzur-mama

Ugme

Ur-mama

Ur-Bau

𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴

𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴

𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴

𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴

سؤال سی و پنجم : اکثر آشوریهای مومن شدیداً علاقمندند که با کارهای بسیار هنرمندانه شما از نزدیک آشنا شوند آیا هرگز ب فکر بوده اید که نمایشگاهی از ساخته هایتان ترتیب دهید که مورد استفاده عموم قرار گیرد.



در پاسخ این سؤال باید با اطلاعاتن برسانم که :

جواب :

اولاً - من خود را هنوز قابل نمیدانم این نوع کارها را که مورد علاقه من هست بمعرض نمایش بگذارم و بعلاوه اینها برای فروش نیستند - ضمناً اکثر آشوریهاییکه مرا از نزدیک میشناسند باین فعالیتها هم آشنا هستند .

ثانیاً - این سمبل های هنری که منظورم از تهیه آنها زنده نگه داشتن تاریخ آشور باستان است اکثراً

برای اتحادیه آشوریهای جهان (AUA) تهیه و بافرادیکه برای ملت خویش فعالیت ثمربخشی نموده و یا خدمات بیشائبه انجام داده باشند بعنوان تشویق و قدردانی طبق درخواست AUA و یاسایر انجمنها و باشگاههای ملی آشوری اعطا میگردد.



سؤال سی و هشتم : ممکن است از جانب مجله خود تقاضا کنم چند نمونه از طرحهای خود را جهت چاپ در مجله «کرخه» در اختیار ما بگذارید .



Nammakhni

جواب : اشکالی ندارد .

سؤال سی و هفتم : از اینکه ساعاتی از وقت عزیز و گرانبهای خود را برای انجام این مصاحبه در اختیار ما گذاشتید مجدداً صمیمانه تشکر میکنم و امیدوارم در فرصت های آینده باز هم اجازه بفرمائید اوقاتی به منظور کسب فیض مزاحم اوقات شریفتان بشویم .



جواب : با وجودیکه تهیه پاسخ این سؤالات وقت زیادی را گرفت معذک خوشوقتم از اینکه این مطالب برای علاقمندان ملت ما مفید و احتمالاً موجب انبساط خاطر آقایان را فراهم کرده باشد تنها مطلبی که مایلم یادآور شوم این است که انتظار داشتم به یکی دو نکته واجد اهمیت نیز در سؤالاتان اشاره کرده باشید

که متأسفانه به چشم نخورد زیرا بدون شك طراحان این سؤالات فکر و وقت زیادی را از جانب تهیه کنندگان آنها گرفته است .

از جمله این مطالب یکی دروازه ایشثار است که در طرفین درب ورودی آن به اشکال يك اژدها و يك گوساله بر خورد میکنیم و این نکته نیز روشن است که مبتکر و سازندگان آنها از این نقوش منظوری خاصی داشته اند .

برای تفسیر و تعبیر معانی این اشکال و نقوش من کتب زیادی مربوط به تاریخ آشور را بررسی و مطالعه نموده ام ولی متأسفانه چیزی که مربوط به معانی این نقوش باشد پیدا نکردم . تنها موقعی که سرگرم ساختن این مجسمه ها بودم دریافتم که آنها مظهر چه چیزهایی هستند و دلیل این امر هم این است که آشور شناسان خارجی هر قدر هم که وارد و آگاه باشند مسلماً آن علاقه و احساس را که من نسبت به تاریخ قوم خود دارم و تمام فکر و روح در آن متمرکز است نمیتوانند داشته باشند درباره این موضوع را من با چند نفر از باستان شناسان مطرح و نظر آنها را جویا شدم ، متأسفانه یا خوشبختانه آنها نتوانستند به تفسیر من از معانی این اشکال انتقاد نمایند و اینجابود که من در خود نوعی غرور و رضایت خاطر احساس نموده و مصمم شدم مطالعات خود را در این زمینه کماکان ادامه دهم .

موضوع دوم علت سقوط امپراطوری آشور است .

مورد سوم سؤالی است که من آنرا مطرح و از همه آشوریان عزیز میپرسم که بعد از انقراض سلسله هخامنشی بدست الکساندر کبیر مقدونی چه شد که آشوریها نتوانستند کشور خود را مجدداً باز سازی و شکوفا نمایند در صورتیکه چندین بار فرصت و امکانات مناسبی برای احیاء کشورشان داشتند

چنانچه تهیه سئوالات مطرح نشده فوق‌الذکر برای شما امکان‌پذیر است بسیار متشکر خواهم شد که آنها را به آدرس اینجانب ارسال فرمائید تا من بتوانم با استفاده از پاسخهای متعدد جوابی قانع‌کننده از مجموع آنها برای خود و علاقمندان آماده نمایم .

و اما چهارمین سؤال من این است که چرا بابلیها هنگامیکه خطر عظیم تهاجم از طرف شرق را احساس کردند به ندای «نبوسردار» فرمانده لایق لشکریان سارداناپال که بمنظور جمع آوری نیرو به شهر نیپور « Nippur » در جنوب بابل رفته بود از تقاضایش استقبال شد در صورتیکه ، در صفحات شمال بین‌النهرین که آشوریهها بعد از انقراض امپراطوری آشور به آن مناطق رو آورده بودند از تقاضای این سردار بزرگ استقبال نشد .

Ur-gar

Dug-azag

Lu-Bau

Lu-gula

𒌦 𒌦

𒌦𒌦 𒌦𒌦

𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦 𒌦𒌦 𒌦𒌦

𒌦𒌦𒌦 𒌦𒌦 𒌦𒌦

ادامه دارد

خط میخی که اسامی پادشاهان آشور بوده و در بین سئوالات گذشته شده اند فقط جنبه تزیینی دارد .

خیابان تخت جمشید ، بین حافظ و ویلا شماره ۸۸ تلفن ۸۹۶۶۹۳ - ۸۹۶۶۹۲

Behja'abad, Takhte Djamshid Ave. Between Hafez & Villa 88 Tel. 896692-896693

